

ایران و طالبان؛
آیا احترام از تقابل
ممکن است؟

۴

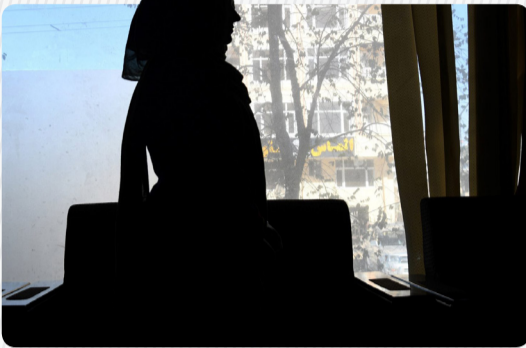
صبح ۸

سال هفدهم
شماره ۳۹۶۷
شنبه
۲۱ اسد ۱۴۰۲
۱۲ اگست ۲۰۲۳

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

ادبیه؛

دختری که محرومیت‌هایش را می‌نویسد



قلم و برگ‌های سفید کتابچه همراز خوبی برای او شده است تا از محرومیت‌های دو سال پسین زنده‌گی‌اش بنویسد. او از رویاهای قشنگش می‌نویسد، از رنج‌هایش می‌نویسد، از سال‌ها زحمت و مبارزه‌اش می‌نویسد و بالاخره از کسانی می‌نویسد که زنده‌گی را برایش تیره‌تر ساخته‌اند. ادبیه همه چیز را باخته و حالا سوگواری از دست دادن رویاهایش است. دو سال است که در کنار همه دختران افغانستان از حقوقش محروم شده است. شریعت خودش ساخته طالبانی او را از حق آموزش، حق گشت‌وگذار آزاد، حق کار، حق پوشش اختیاری و...

۵

۳

قلمرو جهادگرایان؛

جنگجویان خارجی داعش در افغانستان چه کسانی‌اند؟

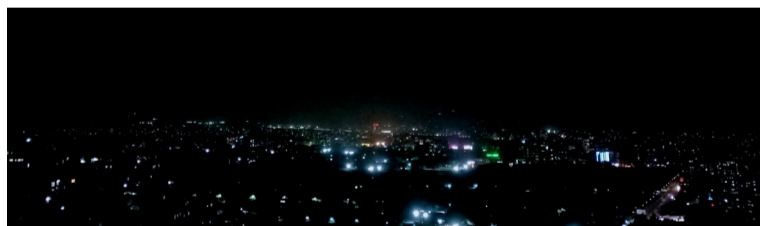


افغانستان هنوز بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر است

۶

انفجار و تیراندازی در شهر کابل؛

جبهه آزادی مدعی کشتن پنج جنگجوی طالبان شد



۸صبح، کابل: جبهه آزادی افغانستان اعلام کرده که حمله شب گذشته بر یک پاسگاه طالبان در شهر کابل کار این جبهه بوده است. شماری از باشندگان شهر کابل به روزنامه ۸صبح، تایید کردند که حوالی ساعت ۸:۰۰ جمعه‌شب، ۲۰ اسد، صدای انفجار و تیراندازی را در ساحه پل سرخ از مربوطات حوزه سوم امنیتی شهر کابل شنیده‌اند. جبهه آزادی در توییتی گفته است که در این حمله پنج طالب به‌شمول یک فرمانده این گروه کشته و دو تن دیگر زخمی شده‌اند.

چهارمین مورد طی یک هفته؛ یک خبرنگار محلی در کندهار بازداشت شد

۸صبح، کندهار: به ادامه بازداشت خبرنگاران از سوی طالبان، منابع محلی در ولایت کندهار می‌گویند که استخبارات این گروه یک خبرنگار را در این ولایت بازداشت کرده است. حسب حساس، خبرنگار رادیو سلام وطن‌دار ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز پنج‌شنبه، ۱۹ اسد، از ناحیه پنجم شهر کندهار بازداشت شده است. این خبرنگار هنوز در بند استخبارات طالبان است و دلیل بازداشت‌اش روشن نیست. طالبان در این مورد چیزی نگفته‌اند.



این چهارمین مورد بازداشت خبرنگاران از سوی طالبان طی یک هفته در کشور است. حسب حساس از خبرنگاران محلی کندهار است که علاوه از سلام وطن‌دار با چند رسانه محلی دیگر از جمله، تلویزیون اورانوس و رادیو کندهار کار می‌کرد. طالبان روز پنج‌شنبه دو خبرنگار رادیو کلید در ننگرهار و پیشتر از آن، روز یک‌شنبه همین هفته یک خبرنگار خبرگزاری باختر در غزنی را نیز بازداشت کردند.

این جبهه ادعا کرده که حمله بر تجمع طالبان انجام شده و ممکن است رقم تلفات افزایش یابد. پس از این حمله طالبان راه‌ها منتهی به پل سرخ را بسته‌اند. این گروه تا کنون در مورد ادعای جبهه آزادی چیزی نگفته است. جبهه آزادی که پس از تسلط طالبان بر افغانستان ایجاد شده، هرازگاهی حملات این‌چنینی را در برابر طالبان مسوولیت می‌گیرد.

دوساله‌گی تسلط طالبان؛

زنان معترض: بساط ظلم پهن است و جهان بی‌شرمانه نظاره می‌کند

بی‌گناهان، کوچ‌های اجباری ساکنان بومی و غصب زمین‌های آنان به گوش جهان نمی‌رسد. این معترضان از عملکرد کشورها در قبال طالبان انتقاد کرده و می‌گویند که جهان نیز به شکل بی‌شرمانه و منفعل نظاره‌گر «تاخت‌وتاز و حشیانه» این گروه است و تمام ادعاهای خود در مورد حمایت از حقوق بشر و حقوق زنان را فراموش کرده است. این معترضان ایجاد یک حکومت قانون‌مند، همه‌شمول و پاسخگو به مردم و جهان را تنها راه حل مشکل افغانستان می‌دانند. طالبان پس از توافق دوحه و سپس به تاریخ ۲۴ اسد ۱۴۰۰ در پی فرار محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور و فروپاشی ارتش به قدرت برگشتند و از آن زمان تا کنون ده‌ها فرمانی را صادر کرده‌اند که آزادی مردم به‌ویژه زنان را به شدت محدود کرده است.

۸صبح، کابل: در آستانه دو ساله‌گی تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، جنبش زنان عدالت‌خواه در یک حرکت اعتراضی می‌گویند که طالبان در نتیجه یک معامله «شوم و ننگین» بر افغانستان تسلط پیدا کردند. این زنان معترض روز جمعه، ۲۰ اسد، به آنچه که سیاست‌های زن‌ستیزانه و آپارتاید جنسیتی از سوی طالبان می‌خوانند، دست به اعتراض زدند. به گفته جنبش زنان عدالت‌خواه، دو سال می‌شود که زنان از انسانی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق خود محروم‌اند و بساط ظلم و ستم در هر گوشه افغانستان پهن است. این جنبش در اعلامیه‌اش افزوده است: «از روزی که این گروه بر افغانستان حاکم شده است چیزی جز محدودسازی زنان، کشتار

به جای آرزوهای ما خشونت کاشتند

من هدیه‌ام؛ دختری که ریشه در زادگاه خداوندگار بلخ، مولانای بزرگ دارد و مثل او طعم غربت را چشیده است...



خروج آشفته از افغانستان؛

مجلس سنای امریکا به وزارت خارجه ضرب‌العجل تازه ارایه اسناد تعیین کرد



۵ صفحه

۲ صفحه



خروج آشفته از افغانستان؛ مجلس سنای امریکا به وزارت خارجه ضربالعجل تازه ارایه اسناد تعیین کرد



فرمان جهادی علیه جهاد

طالبان در دو سال گذشته روایت جهاد ناتمام را تبلیغ کرده‌اند. از ملا هبت‌الله تا وزیران و سخنگویان طالبان کوشیده‌اند دولت‌داری را امر جانی و در خدمت مأموریت بی‌پایان جهاد تبلیغ کنند. باری ملا هبت‌الله به گروهی از زیردستانش گفته بود که در دوران جنگ مردم روستا را به جهاد دعوت کردیم و به کمک آنان شهرها را فتح نمودیم، و اکنون وظیفه داریم تا شهرنشینان را مجاهد سازیم تا همه آماده جهاد شوند و به هر جایی که فرمان بدهم بروند. سخنگوی او در پاسخ به سوالی در مورد اهمیت آزادی گفته بود، از نظر آنان آزادی در این جهان ممکن نیست و مأموریت آدم‌ها گردآوری توشه برای آزادی اخروی است. بهترین توشه اخروی نیز در روایت طالبان جنگ علیه ناطالبان است. در سخنان رسمی و تبلیغی کلان‌های طالبان مثال‌های بسیاری از اهمیت جهاد بر دولت‌داری، کار، آبادی و رفاه عمومی دیده می‌شود. آنان با وجود تکیه بر پست‌های پردرآمد و حرص بسیار در افزایش مال و صلاحیت سیاسی، هرگز دست از تبلیغ جهادگرایی برنداشته‌اند، چرا که خاستگاه و پشتوانه اصلی‌شان محیط جهادی است و روابط سیاسی و اجتماعی، و پشتوانه‌های جمعیتی‌شان ایجاب می‌کند تا در ارگ نیز خود را گروه جهادی بخوانند. دوری جستن از این روایت، به رابطه آنان با منابع اصلی قدرت و سربازگیری‌شان آسیب جبران‌ناپذیر می‌زند.

طالبان بین ملت و امت، دولت و امارت، قانون و شریعت، شورا و فرمان، دومی‌ها را برگزیده‌اند. به‌جای پرچم سیاسی کشور، بیرق جهادی خود را در ارگ نصب کرده‌اند و منصب‌های اداری و سیاسی را نیز براساس قاعده غنیمت جهادی میان جنگ‌جویان توزیع نموده‌اند. حال از امارتی با این ویژه‌گی‌ها برخی دولت‌ها و افراد انتظار کارهایی را دارند که یک رژیم سیاسی و دولت انجام می‌دهد. حتا انتظار دارند که این گروه لگام گروه‌های جهادی خارجی را به‌دست گیرد و مانع اقدامات تروریستی آن‌ها در بیرون از افغانستان شود. پاکستان با نفوذی که بر طالبان دارد، تا گرفتن فرمان، فتوا و اعلام موضع علنی علیه جهادی‌های پاکستان از کلان‌های طالبان پیش رفته است، به این امید که طالبان پاکستانی را تضعیف کنند و مانع همکاری جهادی‌های افغان با آنان شوند. نمونه‌های بسیار از اثرگذاری فتوا و فرمان مقام‌های مذهبی و رهبران جهادی در شعله‌ور کردن جنگ و تشویق جهاد داشته‌ایم، اما فتوا علیه جهاد و تروریسم حداقل در چهل سال جنگ افغانستان موثر نبوده است. در بیست سال دوره غیرطالبانی، مبالغ و تلاش بسیاری در برگزاری مجالس ملاها و مولوی‌های مطرح افغانستان صرف شد تا جنگ طالبان را غیرشرعی اعلام کرده و از پیوستن توده گرسنه و بی‌کار به صفوف تروریستان جلوگیری کنند. برای گرفتن فتوا از رهبران مذهبی غیرافغان نیز تلاش شد. از عربستان، مصر، اندونیزیا و حتا پاکستان فتواها و موضع‌گیری‌های ضد تروریستی نشر شد. اما آتش جنگ خاموش نشد، چون عواملی غیر از فتواهای مذهبی، از جمله ناکاره‌گی و فساد اداری که زنده‌گی مردم را تلخ کرده بود، پول‌های بسیاری که از کانال‌های خارجی برای ادامه جنگ می‌ریخت و در نتیجه بازار پردرآمدی که جنگ و ترور شده بود، قد شعله‌های جنگ را تعیین می‌کرد. «جهاد» در پاکستان نیز با فرمان ملا هبت‌الله، فتوای مفتی طالبان و اظهار نظر وزیران آن گروه متوقف نخواهد شد. سبلی که امروز در افغانستان می‌چرخد و دسته‌دسته آزادی‌ها، حقوق، نان و جان مردم را می‌بلعد، در این جا فرو نخواهد نشست. همسایه‌ها و کشورهای حامی طالبان نمی‌توانند بدون آن که دامن خودشان نیز نم‌گیرد، در این سیلاب ویران‌گر برای مدت طولانی کشتی آمل خود را برانند. اگر با طالبان‌یسم، جهادگرایی و تروریسم در هر جا و هر کشور مبارزه نشود، خطر گسترش آن هر روز جدی‌تر خواهد شد.

۸صبح، کابل: مایکل مک‌کال، رییس کمیته روابط خارجی مجلس سنای امریکا می‌گوید که اسناد ارایه شده از طرف وزارت امور خارجه این کشور در مورد خروج آشفته از افغانستان تکراری و غیرمرتبط است.

مک‌کال در بیانیه‌ای ناوقت روز پنج‌شنبه، ۱۹ اسد، گفته است، مقام‌های وزارت خارجه که مسوول تهیه اسناد خروج از افغانستان به مجلس سنا هستند باید خود را حد اکثر تا ۲۱ آگست برای مصاحبه رونویسی شده حاضر کنند.

کمیته روابط خارجی مجلس سنای امریکا به ناز دوراک اوغلو، دستیار وزیر در دفتر امور قانونگذاری و ریچارد سی ویسک، مشاور حقوقی این وزارت تا ساعت ۵:۰۰ پس از جاست ۱۶ آگست، فرصت داد تا اسناد تکمیل خروج از افغانستان را ارایه یا خود را برای مصاحبه رونویسی شده در ۲۱ آگست حاضر کنند.

مک‌کال گفته است که قصد دارد تا وزارت خارجه امریکا را در این زمینه پاسخگو کند، زیرا این وزارت از احضاریه‌های کمیته روابط خارجی مجلس سنا پیروی نکرده و گزارش‌های AAR ارایه شده این وزارت پس از بررسی تکرار و غیرمرتبط تشخیص شده است.

به گفته این کمیته پاسخ‌های ضعیف وزارت خارجه امریکا به درخواست‌های مکرر مجلس سنا درباره خروج از افغانستان نشان می‌دهد که این وزارت یا عمداً مانع نظارت کمیته می‌شود، یا این‌که نگهداری اسناد، مکان و مراحل تولید آن به طرز شگفتی‌آوری ناقص است که هیچ کدام قابل قبول نیست.

گفتنی است که پس از خروج شهروندان امریکایی از سودان و تخلیه سفارت این کشور در پی ناآرامی‌ها یک بار دیگر موضوع خروج آشفته از افغانستان و اصلاح قوانین در این زمینه، روی میز مجلس سنا قرار گرفته است.

کشورهای C5+1 از گفت‌وگوهای فراگیر در مورد آینده سیاسی افغانستان حمایت کردند

بر اهمیت جلوگیری از استفاده قلمرو افغانستان به‌عنوان پایگاهی برای میزبانی، تأمین مالی و صدور تروریسم و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به کشورهای دیگر تأکید کردند.

نمایندگان این کشورها در دیدار دو هفته پیش خود بر ضرورت تقویت همکاری‌ها برای مقابله با قاچاق انسان، اسلحه و مواد مخدر نیز تأکید کردند.

آنان در بیانیه مشترک‌شان از کاهش کاشت مواد مخدر در افغانستان استقبال، اما از افزایش تولید مواد افیونی و مصنوعی ابراز نگرانی کردند.

نمایندگان پنج کشور آسیای مرکزی و توماس وست، نماینده امریکا برای افغانستان ۲۷ جولای در شهر آستانه، پایتخت قزاقستان، جمع شدند و در مورد افغانستان به رای‌زنی پرداختند.

توماس وست آن زمان گفته بود که در این نشست روی حمایت مشترک از افغانستان و حقوق بشر، امنیت و اقتصاد در این کشور گفت‌وگو می‌کنند. این بیانیه مشترک با محتوای خواست تشکیل دولت فراگیر در افغانستان در حالی منتشر می‌شود که پس از گذشت نزدیک به دو سال طالبان تا کنون اقدامی برای تشکیل دولت فراگیر انجام ندادند و با آن‌هم نمایندگان امریکا در امور افغانستان هرکدام به نوبت خود بر ضرورت تعامل با طالبان تأکید کردند.



۸صبح، کابل: پس از گذشت دست‌کم ۱۵ روز از نشست نمایندگان امریکا و پنج کشور آسیای مرکزی در مورد افغانستان در شهر آستانه قزاقستان، به‌تازگی این کشورها بیانیه مشترک‌شان در مورد افغانستان را منتشر کردند. بیانیه مشترک امریکا، قزاقستان، قزاقستان، تاجیکستان، اوزبیکستان و ترکمنستان در مورد افغانستان (C5+1) روز جمعه، ۲۰ اسد، از سوی وزارت امور خارجه امریکا نشر شد.

این کشورها ضمن اعلام حمایت از یک افغانستان صلح‌آمیز و باثبات، رعایت و احترام حقوق بشر از جمله زنان و تشکیل دولت فراگیر در این کشور را مهم دانستند.

کشورهای C5+1 همچنان گفتند که از روندهای معنادار و فراگیر در مورد آینده سیاسی افغانستان حمایت می‌کنند.

در این بیانیه آمده است: «نمایندگان کشورها

مأموریت وانگ یو به‌عنوان سفیر چین در افغانستان پایان یافت

دو کشور دوستی پایدار آرزو کرده است. وزارت امور خارجه چین تا کنون در مورد پایان مأموریت وانگ یو و جایگزین وی چیزی نگفته است.

وزارت امور خارجه طالبان نیز در دیداری از فعالیت‌های وانگ یو به‌عنوان سفیر چین در افغانستان قدردانی کرده است.

یو در سال ۲۰۱۹ به‌عنوان سفیر چین در افغانستان گماشته شد.

۸صبح، کابل: وانگ یو، سفیر چین در کابل از پایان مأموریتش در این سمت خبر داده است. یو روز جمعه، ۲۰ اسد، در توییته از این اتفاق خبر داده است.

سفیر پیشین چین در افغانستان نوشته است: «من دوره خود را به‌عنوان سفیر در افغانستان به پایان رساندم و این کشور زیبا را با خاطره‌ها ترک کردم.»

او برای افغانستان صلح، ثبات و شکوفایی و برای

انجمن دیپلماتان افغانستان موافقت ترکیه با سفر ملا برادر را بازی دوگانه انقره خواند

۸صبح، کابل: در پی سفر ملا عبدالغنی برادر به ترکیه، انجمن انسجام دیپلماتان جمهوری اسلامی افغانستان گفته که دعوت از اعضای طالبان از سوی برخی از کشورها در مغایرت با روحیه و اهداف تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

این انجمن روز جمعه، ۲۰ اسد، در اعلامیه‌ای گفته که دعوت از اعضای طالبان از سوی برخی از کشورها بازی دوگانه و زمینه‌سازی برای مشروعیت‌بخشی به «اداره نامشروع» طالبان تلقی می‌شود.

در اعلامیه با اشاره به سفر عبدالغنی برادر، معاون اقتصادی ریاست‌الوزرای طالبان به ترکیه، آمده است: «این سفر که طالبان هدف آن را تقویت روابط دوجانبه گفته‌اند دست‌آویز تبلیغاتی برای این گروه فراهم کرده است.»

به گفته انجمن انسجام دیپلماتان افغانستان، موافقت ترکیه به سفر ملا برادر و دیدار وی با مقام‌های دولت این کشور با موضع اعلام شده از سوی انقره درباره ضرورت تشکیل دولت فراگیر در افغانستان سازگار نیست.

این انجمن خاطرنشان کرده است، با توجه به این‌که اداره طالبان مشروعیت ندارد، هرگونه توافق با این گروه از لحاظ حقوقی بی‌اعتبار است و مسوولیت عواقب آن در آینده به دوش دولت‌هایی است که با طالبان شبیه یک دولت مشروع و مسوول برخورد کرده‌اند.

این اعلامیه در حالی صادر شده که ملا برادر از دو روز به این سو طی یک سفر رسمی در ترکیه به‌سر می‌برد.

وی در سفرش به ترکیه تا کنون با وزیر امور خارجه این کشور و رییس‌ان برخی از شرکت‌های خصوصی دیدار داشته است.

ملا برادر در حالی به ترکیه سفر کرده است که وی به‌عنوان یکی از اعضای ارشد طالبان شامل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل می‌شود.



تفنگ‌داران ناشناس یک طالب را در تخار کشتند و سلاحش را با خود بردند

۸صبح، تخار: منابع محلی در ولایت تخار می‌گویند که تفنگ‌داران ناشناس یک جنگ‌جوی طالب را در این ولایت کشته‌اند.

جسد این جنگ‌جو به نام شیرآغا روز پنج‌شنبه، ۱۹ اسد، از ساحه اوزون کوتل از مربوطات ولسوالی دشت‌قلعه پیدا شده است.

شیرآغا عضو قوماندانی امنیه طالبان در ولسوالی دشت‌قلعه و باشنده همین ولسوالی بوده است.

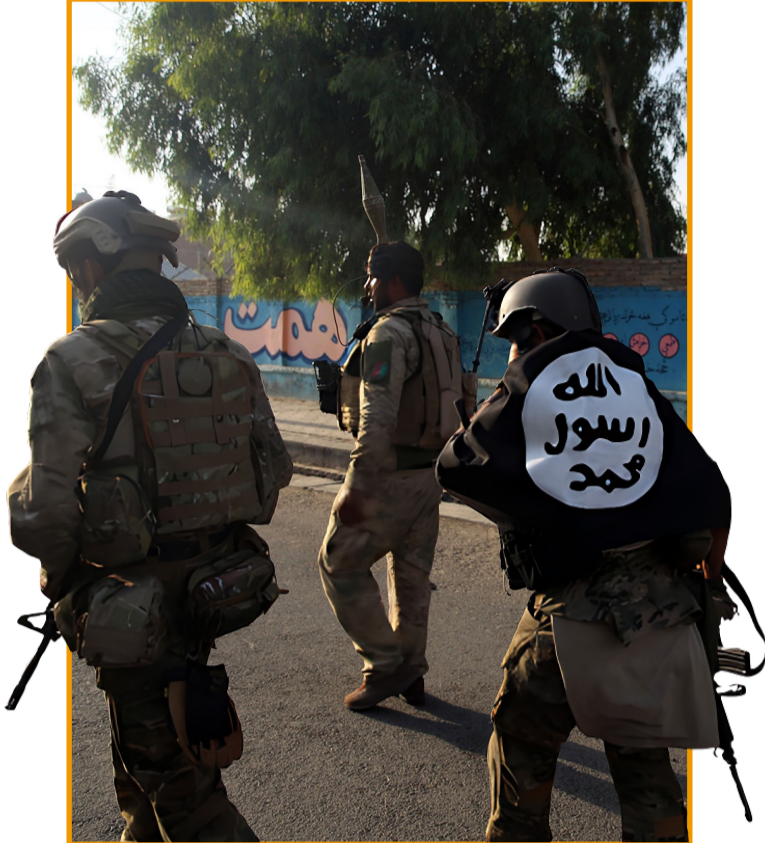
منبع افزود که مهاجمان یک میل تفنگ و یک پرتله نظامی این طالب را نیز با خود برده‌اند.

تا کنون عامل این رویداد مشخص نیست و هیچ گروهی مسوولیت آن را برعهده نگرفته است.

مسوولان امنیتی طالبان در تخار تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

این در حالی است که روز گذشته جبهه مقاومت ملی ادعا کرد که دو طالب به‌شمول یک فرمانده این گروه در کمین آنان در ولسوالی فرخار کشته شدند.

دولت اسلامی عراق و شام یا داعش که به «ISIS» شهرت دارد، در اواخر قرن بیستم با نام «جماعت توحید و جهاد» شکل گرفت. این گروه در سال ۲۰۰۴ با القاعده یکجا شد، اما در سال ۲۰۱۳ نام دولت اسلامی عراق و شام را اختیار کرد. داعش در ۲۰۱۴ اعلام خلافت کرد و ابوبکر البغدادی اولین رهبر تشکیلی به نام داعش شمرده می‌شود.



قلمرو جهادگرایان؛

جنگ جویان خارجه داعش در افغانستان چه کسانه اند؟



خراسان خود در نظر گرفت، بخش‌هایی از افغانستان، ایران و همچنان پاکستان را شامل می‌شد. در حال حاضر اما فعالیت این گروه بیشتر شده و حملاتش را به آسیای مرکزی نیز گسترش داده است. آخرین آمار ملل متحد نشان می‌دهد که شاخه خراسان داعش هم اکنون بین چهار تا شش هزار جنگ‌جو در افغانستان دارد. بر بنیاد معلوماتی که در گذشته منتشر شده بود، به نظر می‌رسید که با توجه به جغرافیای داعش خراسان، بیشتر اعضای آن دارنده تابعیت افغانستان هستند و در پُست‌های کلیدی این گروه نیز حضور دارند. با این حال، یافته‌های روزنامه ۸صبح نشان می‌دهد که بخش کلیدی داعش خراسان را جهادگرایان خارجی تشکیل می‌دهند؛ افرادی که به دلیل نارضایتی از سایر گروه‌های جهادگرا، از جمله طالبان افغانستان و پاکستانی، با داعش بیعت کرده‌اند. برخی از اعضای القاعده نیز با داعش ارتباط دارند که با توجه به حضور این گروه در افغانستان، احتمال می‌رود که حتی با این گروه بیعت کرده باشند. اما سوال این‌جاست که در حال حاضر، جنگ‌جویان کدام گروه‌ها اعضای تشکیل داعش خراسان هستند و چه نقشی در گسترش دامنه فعالیت این گروه دارند؟

پاکستانی‌ها؛ از بنیان‌گذاری داعش خراسان تا نقش فعال در شورای لجنه

با وجود حضور شماری از جنگ‌جویان افغان در ترکیب داعش خراسان، این شاخه را برای اولین بار طالبان ناراضی پاکستانی در خاک افغانستان اساس‌گذاری کردند. حافظ سعید اورکزى، فرمانده پیشین طالبان پاکستانی، در اکتوبر ۲۰۱۴ به دلیل نارضایتی از طالبان افغان و پاکستانی، از عضویت تی‌پی‌پی خارج شد و با داعش بیعت کرد. اورکزى برای حدود یک‌ونیم سال به‌عنوان رهبر شاخه خراسان داعش کار کرد و سرانجام در اگست ۲۰۱۶ توسط نیروهای امریکایی کشته شد. پس از یک سال رهبری این گروه توسط عبدالحسیب لوگری، رهبری داعش خراسان دوباره به جنگ‌جویان پاکستانی رسید. در آن زمان عبدالله اورکزى مشهور به اسلم فاروقی این مسوولیت را از اپریل ۲۰۱۷ عهده‌دار بود تا این‌که سرانجام در سال ۲۰۲۰ توسط نظامیان پیشین بازداشت و زندانی شد.

از آن زمان تا حال، برخی از جنگ‌جویان ناراضی طالبان پاکستانی عضویت شاخه خراسان داعش را دارند و به‌عنوان فرمانده، نقش اساسی در جنگ کنونی داعش خراسان ایفا کرده‌اند. حتا برخی از «امیران» شاخه خراسان داعش در افغانستان نیز جنگ‌جویان پاکستانی‌اند. از این میان، قاری فاتح به‌عنوان امیر نام‌نهاد داعش خراسان در کفر فعالیت می‌کرد. طالبان در فروری سال روان با نشر تصویری اعلام کردند که وی را در کابل کشته‌اند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، آن زمان گفت که قاری فاتح رییس اطلاعات و عملیات داعش خراسان بود. طالبان حتا از وی به‌عنوان مسوول حملات بر مساجد و اماکن دیپلماتیک نام بردند.

در ادامه گروه طالبان بار دیگر در اوایل جون سال جاری اعلام کرد که جنگ‌جویان طالب یک فرمانده گروه داعش به نام تراب باجوری را در لغمان کشته است. این فرمانده پاکستانی به‌عنوان «امیر» شاخه خراسان گروه داعش در لغمان فعالیت داشت و از افرادی شمرده می‌شد که در کنار حافظ سعید اورکزى، عضویت داعش را گرفته بود. باجوری سابقه نظامی طولانی داشت و از جمله کسانی به شمار می‌رفت که سبب نفوذ گسترده داعش در کفر شده بود. طالبان او را عضوی مهم شاخه داعش خراسان در افغانستان خوانده بودند. این‌گونه موفق‌گیری‌های طالبان نشان می‌دهد که جنگ‌جویان پاکستانی از ستون‌های اصلی داعش خراسان هستند و در افغانستان زیر کنترل طالبان حضور فعال دارند. در حال حاضر اسدالله اورکزى، دیگر فرمانده برجسته پاکستانی شاخه داعش خراسان است. او به‌عنوان امیر داعش در لغمان فعالیت می‌کند و عضویت شورای لجنه را نیز دارد. براساس یافته‌های روزنامه ۸صبح، این شورا رهبری شاخه داعش خراسان را عهده‌دار است و اعضای آن در مورد فعالیت‌های این گروه در «حوزه خراسان» تصمیم می‌گیرند. براساس یافته‌های روزنامه ۸صبح، بیشتر فرماندهان داعش خراسان، به‌ویژه فرماندهان پاکستانی که اکنون نیز عضویت فعال داعش را دارند، از اعضای فعال شورای لجنه هستند. قاری فاتح نیز



عضویت این شورا را داشت و در برای آینده داعش خراسان تصمیم می‌گرفت. همچنان سیف‌الله اورکزى به‌عنوان یک تن از فرماندهان برجسته شاخه داعش خراسان، عضو شورای لجنه است. به این ترتیب یافته‌ها نشان می‌دهد که جنگ‌جویان پاکستانی از اعضای فعال شاخه داعش خراسان هستند که در افغانستان حضور دارند و دست‌کم در کنار تجربه دو بار رهبری این شاخه داعش، به‌عنوان امیران در ولایت‌ها و همچنان فرماندهان نظامی و اطلاعاتی مصروف فعالیت‌اند.

براساس معلومات دیگر، داعش خراسان به‌شدت در تلاش است تا بر شمار جنگ‌جویان پاکستانی‌اش بیفزاید. این شاخه داعش موضوع بیعت جنگ‌جویان پاکستانی را بخشی از برنامه‌های آینده‌اش قرار داده است. در این روند، افرادی که از شرایط فعالیت با طالبان پاکستانی ناراضی‌اند، جذب داعش می‌شوند تا در شرق افغانستان و نقاطی از پاکستان فعالیت‌های این گروه را گسترده‌تر سازند. گفتنی است که بیشتر اعضای پاکستانی شاخه خراسان داعش به علت نارضایتی از گروه‌های قبلی خود جذب این گروه شده‌اند و با توجه به میزان بلند نارضایتی‌ها، افزایش شمار جنگ‌جویان پاکستانی داعش محتمل است.

جنگ‌جویان اوزبیکستانی‌جندالله و فعالیت به‌عنوان شاخه‌ای از تشکیل داعش خراسان

یافته‌ها نشان می‌دهد که اعضای اوزبیکستانی گروه جندالله نیز در شمال کشور به داعش خراسان پیوسته‌اند. براساس اطلاعات، در حال حاضر به جز بخش کوچکی از تشکیل این گروه، بیشتر فرماندهان و جنگ‌جویان اوزبیکستانی آن وارد تشکیل داعش خراسان شده‌اند. داعش یک بخش گروه جندالله که متشکل از جنگ‌جویان اوزبیک در شمال افغانستان است را وارد تشکیل خود کرده است. به این ترتیب، ملا سعد، از اتباع اوزبیکستان، به‌عنوان رهبر این گروه در تشکیل داعش خراسان و اسامه غازی اوزبیکستانی به‌عنوان معاونش آغاز به کار کرده است. افزون بر این دو رهبر گروه جندالله، حدود دو هزار جنگ‌جوی این گروه و هزاران تن از حامیان‌شان در ولایت‌های تخار، کندز، بدخشان و فاریاب نیز بخشی از داعش خراسان شده‌اند.

این تحول اساسی پس از آن شکل گرفت که اعضای اوزبیکستانی گروه جندالله نسبت به نیت رژیم طالبان بی‌باور شدند. براساس یافته‌های روزنامه ۸صبح، جنگ‌جویان اوزبیکستانی در سقوط شمال به دست طالبان نقش عمده داشتند، اما پس از برگشت طالبان، رهبری و اعضای جندالله با بی‌مهری آنان مواجه شدند. در کنار این، افراد طالبان برای کنترل این گروه، حتا به ترور برخی از رهبران نیز اقدام کردند. معلومات نشان می‌دهد که عثمان غازی، از مهاجران اوزبیکستانی که در زمان حاکمیت برهان‌الدین ربانی با پنج هزار تبعه اوزبیکستان وارد افغانستان شده بود، در ادامه براساس درخواست عبدالملک ریگی، عضو جندالله شد. ریگی در آن زمان از رهبران جندالله بود که در ایران فعالیت می‌کرد و پس از بازداشت توسط جمهوری اسلامی، اعدام شد.

غازی اما پس از سقوط حاکمیت اول طالبان، به پاکستان رفت تا حملات چریکی گروهش بر حکومت پیشین را در کنار طالبان افغان مدیریت کند. او براساس دستور ملا محمدعمر، بنیان‌گذار طالبان، با صدها عضو این گروه به زابل برگشت و در سال ۲۰۱۶ تصمیم گرفت که در مشوره با برخی رهبران طالبان، غیررسمی به داعش بیعت کند. ظاهراً این اقدام بخشی از ساخت پرونده برای حذف وی بود؛ زیرا عثمان در هفته‌های پس از آن هدف کمین شماری از فرماندهان طالبان قرار گرفت و با یک همسر و شماری از کودکانش در مسیر راه زابل کشته شد.

براساس یافته‌های ۸صبح، این اقدام سبب شد که اسامه غازی، پسر او، با ۱۵۰ عضو دیگر جندالله از زابل که محل حضور پدرش بود، به قندهار و بدخشان برود و سپس آن‌جا را نیز ترک کند. او اما منتظر انتقام‌گیری از طالبان بود تا این‌که در ادامه پس از تسلط دوباره طالبان، با همه اعضای گروهش به داعش پیوست. این در حالی است که داعش از اعضای جندالله در گسترش فعالیت‌هایش به آسیای مرکزی استفاده کرده است. به‌گونه نمونه، یک عضو این گروه که در گذشته تحت فرماندهی صلاح‌الدین ابوبی در فاریاب فعالیت داشت، بر اوزبیکستان حمله راکتی انجام داد.



“

رابطه نسبتاً گرم ایران با طالبان طی دو سال پسین ناشی از ناگزیری بوده است. سیاست خارجی کشورها ناشی از عوامل ثابت و متغیر است. عوامل ثابت، دولت ایران را ناگزیر به تأمین رابطه با طالبان می‌کند، ولی عوامل متغیر نه.

ایران و طالبان؛

آیا احترام از تقابل ممکن است؟

شجاع‌الدین امینی

فروپاشی جمهوریت و روی کار آمدن مجدد طالبان آن گونه که تصور می‌شد نگرانی جمهوری اسلامی ایران را برنیانگیخت. ایران در بحبوحه سقوط کابل، سفارتش در کابل را باز نگه داشت و از قنصلگری‌هایش در بزرگ‌شهرهای افغانستان ویژه صادر می‌شد. هیات ایرانی به ریاست حسن کاظمی قمی، سفیر فعلی این کشور در افغانستان، در ۱۵ نوامبر ۲۰۲۱ به کابل رفت و با مقام‌های طالبان دیدار و گفت‌وگو کرد. این اولین سفر رسمی هیات ایرانی در افغانستان زیر اداره طالبان بود. مولوی امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، در راس هیات ۲۶ نفره در ۸ جنوری ۲۰۲۲ به تهران رفت و با مقام‌های ایرانی دیدار کرد؛ دیداری که گفت‌وگوی این هیات با احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی، را نیز در پی داشت. حسن کاظمی قمی در ۱۵ اگست ۲۰۲۲ در اظهارات کم‌سابقه‌ای گفت: «امریکا مجموعه‌ای را تحت عنوان "جبهه مقاومت" سازمان دهی می‌کند که دروغ است. آنان به اسم مقاومت به دنبال ایجاد آشوب داخلی هستند.» سخن او با واکنش‌های زیادی مواجه شد و ناگزیر به تلطیف آن شد.

گام مهمی که ایران برای نزدیکی با طالبان برداشت، واگذاری سفارت افغانستان در تهران در ۲۶ فبروری سال روان به این گروه بود. ابراهیم ریسی، رییس جمهور ایران، در ۱۸ می سال روان، طالبان را با هشدار تند نواخت: «حکابه مردم سیستان و بلوچستان را بدهید. این حرف من را جدی بگیرید تا بعداً گلابه نکنید.» طالبان در پاسخ او گفتند: «مقامات ایرانی ابتدا باید معلومات خود را در مورد آب رودخانه هیرمند تکمیل کنند و بعد از آن با الفاظ مناسب خواست‌شان را مطرح کنند.» دو روز پس از هشدار ریسی، هیات ایرانی به ریاست معاون ستاد کل نیروهای مسلح این کشور به کابل رفت و با هیات طالبان دیدار کرد. به‌رغم آمدورفت زیاد میان مقام‌های دو طرف، خط مرزی میان دو کشور بارها شاهد درگیری مسلحانه بوده است. براساس گزارش‌ها، میان مرزبانان ایرانی و طالبان هنوز ۱۲ مرتبه درگیری رخ داده که تلفات در پی داشته است. اولین درگیری در ۱ دسامبر ۲۰۲۱ و آخرین درگیری یک هفته پس از اظهارات ابراهیم ریسی در ۲۷ می سال روان رخ داد.

با توجه به نکات فوق، پرسش این است که آیا تقابل میان ایران و طالبان اجتناب‌ناپذیر است؟ برای ارایه پاسخ به پرسش فوق، توجه به نکات ذیل حایز اهمیت است:

۱- افکار عامه در ایران، مماشات جمهوری اسلامی با طالبان را نمی‌پسندند؛ چون این گروه در نگاه شهروندان ایران، تفاوتی با القاعده، داعش و سایر گروه‌های تروریستی ندارد. البته که نسخه جنگ با طالبان را هم تجویز نمی‌کنند؛ چون آن را به مصلحت نمی‌دانند و فقط می‌خواهند که دولت ایران زیاده از حد در برابر طالبان نم‌ش نشان ندهد. سنگینی خاطره تلخ قتل دیپلمات‌های ایرانی به‌روی ذهن شهروندان ایران هنوز محفوظ است. همچنان برای ایرانی‌ها، فارسی‌ستیزی طالبان حساسیت‌زاست و نمی‌توانند به‌ساده‌گی از کنار آن رد شوند. بهادادن زیاده از حد دولت ایران به طالبان، دست‌آویزی شده به‌دست شهروندان این کشور تا جمهوری اسلامی و طالبان را یکی بدانند. سخت‌گیری دولت ایران طی دو سال اخیر در زمینه حجاب اجباری از سوی شهروندان این کشور به تقلید از طالبان تعبیر می‌شود؛ چون پس از برگشت طالبان در قدرت،

سخت‌گیری‌ها در زمینه حجاب در ایران بیش‌تر شده است و این جای تامل دارد. یکی دانستن دولت ایران با طالبان برای مقام‌های این کشور سنگینی می‌کند؛ چون ایران خود را کشوری می‌داند که با قدرت‌های بزرگ غربی سروکله می‌زند. نه‌تنها شهروندان ایران که نیروهای سیاسی این کشور از جمله «اصلاح‌طلبان» سیاست‌مماشات با طالبان را به مصلحت نمی‌دانند. روزنامه‌های وابسته به اصلاح‌طلبان بیش‌تر در نقد موضع جمهوری اسلامی در قبال طالبان می‌نویسند و بی‌پروایی این گروه در برابر مطالبات دولت ایران را به رخ مقام‌های این کشور می‌کشند. «نگفتمت مرو آن‌جا که آشبات منم» که از سوی احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی، توییت شده بود، هنوز به‌روی روزنامه‌ها و صفحات مجازی وابسته به اصلاح‌طلبان خودنمایی می‌کند. در انتخابات پارلمانی که قرار است در ۱ مارچ ۲۰۲۴ برگزار شود، اگر اصلاح‌طلبان در مجلس شورای اسلامی بتوانند کرسی‌های بیش‌تری را از آن خود کنند، ممکن است فشار بیش‌تری بر قوه مجریه برای پرهیز از تداوم سیاست مماشات با طالبان وارد شود.

۲- رابطه نسبتاً گرم ایران با طالبان طی دو سال پسین ناشی از ناگزیری بوده است. سیاست خارجی کشورها ناشی از عوامل ثابت و متغیر است. عوامل ثابت، دولت ایران را ناگزیر به تأمین رابطه با طالبان می‌کند، ولی عوامل متغیر نه. جغرافیا و فرهنگ در رابطه ایران و طالبان می‌توانند به‌عنوان عوامل ثابت مطرح شوند. بر این اساس، ایران ناگزیر است اگر گروه وابسته به اسرائیل در افغانستان مسلط شود، با آن رابطه داشته باشد؛ چون جبر همسایه‌گی است و نمی‌شود به آن تن نداد. همین‌طور نقش اشتراکات فرهنگی برجسته است و احترام از تعامل با قدرت مستقر در کابل را نفی می‌کند.

اما، عوامل متغیر تاثیر متفاوتی دارد. نوعیت اداره طالبان می‌تواند در زمره عوامل متغیر قرار گیرد که رابطه طالبان و ایران را میان صلح و جنگ در نوسان نگه می‌دارد. برای نمونه، دولت ایران از نوعیت اداره طالبان راضی به نظر نمی‌رسد و خواهان ایجاد دولت فراگیر در افغانستان است. این عامل متغیر به رابطه ایران با طالبان آسیب زده است. نه ایران از مطالبه خود تا این دم عقب‌نشینی کرده و نه گروه طالبان به مطالبه این کشور لبیک گفته است. لحن مقام‌های ایرانی در زمینه فوق در این اواخر صریح‌تر شده است. وزیر خارجه این کشور در ۲۵ می سال روان گفت: «به صراحت به هیات حاکمه فعلی افغانستان گوشزد کرده‌ایم که ما هیات حاکمه فعلی افغانستان را به رسمیت نشناخته‌ایم و به صراحت گفته‌ایم که شرط آن، تشکیل دولت فراگیر با مشارکت همه اقوام در افغانستان است.»

۳- این که گفته می‌شود «غرب‌ستیزی» وجه مشترک ایران و طالبان است، شاید درست نباشد. غرب‌ستیزی دولت ایران روشن‌تر از آفتاب است، ولی غرب‌ستیزی طالبان در هاله ابهام است. درست است که طالبان در گذشته علیه امریکا جنگیده و از این جهت در کف حمایت ایران قرار داشته است، ولی این جنگ کوتاه‌مدت را نمی‌توان حمل بر دشمنی طالبان با غرب به‌ویژه امریکا کرد. برگشت طالبان به قدرت نشان داد که این گروه دوست امریکاست نه دشمن آن و این را طرف ایرانی خوب درک کرده است. ایران و طالبان هر دو ناقض حقوق زنان و حقوق بشر از سوی غرب دانسته می‌شوند. اما ایران مجازات می‌شود و طالبان پاداش می‌گیرد. لذا دولت ایران سعی زیاد به خرج می‌دهد تا با

طالبان درگیر نشود؛ چون فکر می‌کند که ماموریت داده شده از سوی امریکا به طالبان، جنگ علیه ایران است. برای نمونه، قاتی، فرمانده سپاه قدس، با حضور در مجلس شورای اسلامی در ۶ سپتامبر ۲۰۲۱ گفته بود: «آنچه در افغانستان برای ما اهمیت دارد، این است که امنیت جمهوری اسلامی مخدوش نشود. نقشه امریکا این است که ایران را با جهان اهل سنت درگیر کند.»

۴- این سخن که خطر گروه داعش تازی است که ایران و طالبان را به هم پیوند می‌زند، پایه سست و لرزانی دارد. دشمنی ایران با داعش اظهار من‌الشمس است و شعار اصلی این گروه را نابودی شیعیان و دولت‌های شیعی تشکیل می‌دهد که ایران به‌مثابه دولت شیعی شامل این شعار است. اما داستان دشمنی طالبان و داعش با داستان دشمنی داعش و ایران فرق می‌کند. وجه اشتراک میان طالبان و داعش بسی بیش‌تر از وجه افتراق است. عتض انحصار قدرت و ایجادت منافع قدرت‌های بزرگ، میان طالبان و داعش اختلاف انداخته است، ورنه هر دو از بسی جهات دور روی یک سکه هستند. مهم‌ترین وجه مشترک میان طالبان و داعش که به ایران ربط پیدا می‌کند، شیعه‌ستیزی هر دو گروه است. شیعه‌ستیزی طالبان، کم‌تر از شیعه‌ستیزی داعش نیست. سلطه اول طالبان، حکایت از شیعه‌ستیزی هولناک می‌کند. نوروززادایی، فارسی‌زدایی و شیعی‌زدایی از سوی طالبان به‌خاطری صورت می‌گیرد که همه را جزء هویت ایرانی می‌دانند.

برای نمونه، در ۳ جون سال روان، یک مقام ارشد نظامی ایران اعلام کرد که این کشور آماده است تا نیروهای مرزی طالبان را آموزش دهد، ولی این درخواست با لحن تند از سوی طالبان رد شد: «ایران باید روی نیروهای خود تمرکز کند، مرزبانان ما آموزش دیده هستند.» این در حالی است که طالبان از آموزش نیروهای نظامی و دیپلمات‌های‌شان از سوی هندوستان استقبال کرده‌اند؛ امری که ممکن است به رابطه میان طالبان و پاکستان آسیب بزند. پس می‌توان گفت که اگر داعش حضور قوی در افغانستان داشته باشد و بخواهد در مرزهای شرقی ایران مزاحمت بیافریند، طالبان مانع نخواهند شد؛ چون به‌نحو غیرمستقیم هدف طالبان که شیعه‌ستیزی، فارسی‌ستیزی و ایران‌ستیزی است را برآورده می‌سازد. اما، دولت ایران هنوز پا در کفش توهم دشمنی طالبان با داعش دارد و از این ناحیه خیالش راحت به نظر می‌خورد.

۵- گذشته طالبان و ایران حکایت از دشمنی تقریباً فراموش‌ناشدنی می‌کند. طالبان پس از تصرف ولایت بلخ، ۸ دیپلمات و ۱ خبرنگار ایرانی را در قنصلگری این کشور در شهر مزار شریف در ۸ اگست ۱۹۹۸ کشتند. این حادثه از آن‌رو از ذهن ایرانی‌ها فراموش نمی‌شود که حمله نظامی به اماکن دیپلماتیک و قتل دیپلمات‌ها کم‌تر نمونه داشته است. ایران در واکنش به آن، ۷۰ هزار نیروی سپاه و ۲۰۰ هزار نیروی ارتش را وارد مانور نظامی در مرز مشترک با افغانستان کرد. این حادثه سبب شد تا ایران آنچه در توان دارد در اختیار جبهه ضد طالبان قرار دهد. حتا این حادثه ایران را وادار کرد به ایتلاف بین‌المللی علیه تروریسم به رهبری امریکا ببیوندد؛ امریکایی که ایران آن را به‌چشم دشمن می‌دید. به‌تازه‌گی حسین امیر عبداللہیان، وزیر امور خارجه ایران، به‌مناسبت بیست‌وپنج‌سالگی این حادثه در توییتی نوشته است: «۱۷ مرداد (اسد) طالبان به سرقنصلگری جمهوری اسلامی ایران در مزار شریف حمله کرد و جنایت آفرید.» همچنان جواد ظریف، وزیر خارجه پیشین ایران، نوشته است: «شهادت هشت

دیپلمات و یک خبرنگار در ۱۷ اسد ۱۳۷۷ نماینده پیوسته‌گی رسانه‌ها و دیپلماسی، نفرت طالبان از هر دو و خشونت آن‌ها نسبت به خبرنگاران و دیپلمات‌هاست.» همین‌طور، طالبان نمی‌توانند حمایت ایران از ایتلاف شمال را فراموش کنند. ایران از سوی طالبان به‌مثابه متحد سنتی ایتلاف شمال شناخته می‌شود. درخواست مکرر ایران از طالبان برای ایجاد دولت فراگیر معطوف به شمولیت متحدان سنتی این کشور در قدرت است و این را طالبان خوب می‌دانند. برای نمونه، طالبان به‌رغم اختلاف‌ها و درگیری‌های روزمره با پاکستان، هنوز به این کشور وفادار هستند و به مطالباتش لبیک می‌گویند؛ چون می‌دانند که پاکستان از جبهه ضد طالبان حمایت نخواهد کرد؛ کاری که ایران به‌آسانی انجام می‌دهد.

۶- طالبان روی داشتن رابطه با ایران چندان حساب نمی‌کنند؛ چون این کشور را فرورفته در لاک انزوای بین‌المللی می‌دانند. طالبان می‌دانند که دوستی با ایران، دشمنی با امریکا و متحدان آن را در پی دارد؛ امریکایی که اگر کمک‌های مالی‌اش در دو سال گذشته نمی‌بود، طالبان از فرط گرسنه‌گی یخن همدیگر را می‌دریدند. همین‌طور رابطه سرد با ایران، می‌تواند دوستی با امریکا را در پی داشته باشد. جالب است که ایران علاقه زیاد برای تأمین رابطه با طالبان دارد، ولی طالبان شور و شفع زیاد نشان نمی‌دهند. می‌توان گفت که ایران برای داشتن رابطه با طالبان مجبور است، ولی طالبان نه. برای نمونه، پاکستان، قطر، امارات متحده عرب و... با طالبان رابطه گرم دارند. رابطه گرم طالبان با این کشورها، رضایت امریکا را در پی دارد و دشمنی با آن‌ها، نارضایتی امریکا را. اما اگر طالبان با ایران دشمنی ورزند، هیچ کشوری شاید حتا روسیه و چین از طالبان روی نگردانند؛ زیرا در روزگار حاضر هیچ قدرت بزرگ به حرف جمهوری اسلامی ترتیب اثر نمی‌دهد.

پایه این سخن که گفته می‌شود طالبان به پاس برخورداری از حمایت‌های ایران در گذشته می‌توانند متحد این کشور بمانند، چندان استوار به نظر نمی‌رسد. درست است که ایران پس از امضای پیمان امنیتی میان دولت پیشین و امریکا در ۲۰۱۴ به حمایت از طالبان کمر بست، ولی این امر لزوماً دلالت بر اتحاد راهبردی میان طرفین نمی‌کند. البته که خبر ظهور داعش در ۲۰۱۵ مزید بر علت شد. برای نمونه، در جنگ اول خلیج، اسرائیل از ایران حمایت می‌کرد و امریکا از عراق؛ چون که اسرائیل، صدام را نسبت به خمینی خطر بزرگ‌تر ارزیابی می‌کرد. ازاین‌رو، اسرائیل حتا در مقطعی پای امریکا را به‌سمت حمایت از ایران کشاند که منجر به ماجرای «ایران - کنترا» شد و به‌وجه دولت رونالد ریگان در امریکا شدیداً آسیب زد. با ختم جنگ، حمایت اسرائیل از ایران پایان یافت و دشمنی میان دو کشور از نو آغاز شد.

۷- ایران و طالبان از دو ایدیولوژی متفاوت نماینده‌گی می‌کنند نه لزوماً متضاد. شیعه و سنی دو قرائت متفاوت از اسلام است، ولی دولت‌هایی که خود را نماینده این دو قرائت معرفی می‌کنند، تفاوت را به تضاد تبدیل کرده‌اند. گروه طالبان خود را نماینده اسلام سنی می‌داند و ایران نماینده اسلام شیعی. در امارت طالب شیعیان جان نذارند و در دولت ایران سنی‌ها، و این به نظر می‌رسد برای طالبان مهم باشد. برای نمونه، در نشستی که در ۱۸ می سال روان درباره افغانستان در دانشگاه فردوسی مشهد با حضورداشت مقام‌های ایرانی از جمله آقایان حسن کاظمی قمی و بهادر امینیان (سفیران فعلی و قبلی ایران در افغانستان) برگزار شده بود، نماینده طالبان نیز که در این نشست حضور داشت، گفت: «ایران در حالی از ما می‌خواهد حکومت فراگیر ایجاد کنیم که سنی‌ها در تهران حق اعمار مسجد را ندارند.»

دختری که محرومیت‌هایش را می‌نویسد

بهینا



ندارند؛ اما همواره از آن زخم برداشته‌اند.

ادبیه ۱۹ ساله از جمله دانشجویانی است که پس از سپری کردن امتحان کانکور پیش از حاکمیت طالبان، به دانشگاه بلخ کامیاب می‌شود. او پس از سال‌ها تلاش و کسب رضایت خانواده برای شامل شدن در آزمون کانکور، توانسته بود راه تحقق رویاهایش را بیابد و شامل دانشگاه شود. دانشگاه رفتن، رویای دیرینه‌اش بود که توانست به آن برسد. دیگر دانشجویان شده‌اند. از دانش‌آموزی و درس‌های مکتب خلاصی یافته‌اند. خوشحال است از این که پله‌های دیگر را نیز برای رسیدن به رویاهایش پیموده است. برای رفتن و نشستن در صنف دانشگاه، لحظه‌شماری می‌کند و بالاخره خود را می‌رساند؛ اما این مدت به اندازه‌ای زودگذر است که حتا نمی‌تواند خود را با محیط آن‌جا وفق دهد؛ چون طالبان درب دانشگاه‌ها را به روی دختران می‌بندند. با این خبر، طبل ناخوشی بر بام آرزوهایش کوبیده می‌شود و صدای دلخراش آن زنده‌گی‌اش را دگرگون می‌کند.

زمانی که طالبان حاکمان مطلق افغانستان شدند، در ابتدا تحصیل را برای همه دختران دانش‌آموز و دانشجویان منع کردند. به همین دلیل ادبیه امید به ادامه درس را کاملا از یاد می‌برد؛ چون پیش از این بارها شنیده است که طالبان مخالف سرسخت آموزش دختران هستند. اما پس از گذر چند ماه، این گروه درب دانشگاه‌ها را به روی دختران با وضع محدودیت‌های شدید در پوشش، جدا کردن صنف دختران و پسران و تغییر وقت‌های درسی آنان، باز می‌کنند. با این خبر امید یک بار دیگر در دلش شعله‌ور می‌شود و خواب دانشگاه رفتن ذهنش را مشغول می‌کند.

او با بسیاری از دانش‌آموزان دختر و پسر پیش از سقوط کامل دولت پیشین، آزمون کانکور را سپری کرده بود. آنان روزها و شب‌ها را در انتظار اعلام نتیجه آزمون سپری می‌کردند که فرار اشرف غنی و سقوط دولت به دست طالبان جو را خوف‌ناک می‌کند.

بسیاری از دانش‌آموزان سال‌ها زحمت‌شان را با خود به دیار غربت می‌برند و آرزوهای‌شان را جا می‌گذارند؛ اما ادبیه همچنان در میان آشوب دیار می‌ماند و امید واهی به تحقق رویاهایش می‌بندد. با این که اعلام نتیجه آزمون کانکور از سوی طالبان برایش غیرقابل باور می‌نمود، این گروه چند ماهی پس از آغاز حاکمیت‌شان نتیجه را اعلام می‌کند و ادبیه به دانشگاه بلخ در رشته خبرنگاری کامیاب می‌شود: «آرزو داشتم تا یک خبرنگار موفق شوم؛ چون این رشته را بسیار دوست داشتم و می‌خواستم از این طریق به مردم خدمت کنم و در راه آزادی بیان کار کنم.» اما آرزوی ادبیه نیز همانند دوستانش که همه چیز را ترک کرده و مهاجر شده‌اند، آرزو باقی می‌ماند.

زمانی که تاریخ ثبت نام دانشجویان تازه‌وارد اعلام می‌شود و دانشجویان برای ثبت نام فرا خوانده می‌شوند، ادبیه با شوق فراوان اسمش را به‌عنوان دانشجوی ثبت می‌کند و دو سمیستر از درس‌هایش را با وجود محدودیت‌های روزافزون می‌خواند. اما طالبان درب دانشگاه‌ها را به روی دختران می‌بندند و او را از ادامه درس‌هایش باز می‌دارند. می‌گوید: «دانشگاه رفتن آرزوی هر دختر و پسر است؛ چون دانشگاه مکانی است که مسیر زنده‌گی یک شخص را تغییر می‌دهد و یک شخص را به آرزوهایش می‌رساند. برای یک دختر دانشگاه تنها جای درس نیست، بلکه مکان امید و آینده‌اش می‌باشد.» این گروه با این اعلامیه مکان امید و آینده او را که برای راه‌یابی در آن سخت تلاش کرده بود، می‌بندد.

پس از بسته شدن درب دانشگاه به روی دختران، ادبیه همچنان چشم به راه بازگشایی آن می‌ماند. نزدیک به هشت ماه می‌گذرد، اما از رفتن دختران به دانشگاه خبری نمی‌شود. با بغضی که از محرومیت‌ها در گلو دارد، می‌گوید: «دو سال است که اشک در

قلم و برگ‌های سفید کتابچه همراز خوبی برای او شده است تا از محرومیت‌های دو سال پسین زنده‌گی‌اش بنویسد. او از رویاهای قشنگش می‌نویسد، از رنج‌هایش می‌نویسد، از سال‌ها زحمت و مبارزه‌اش می‌نویسد و بالاخره از کسانی می‌نویسد که زنده‌گی را برایش تیره‌وتار ساخته‌اند. ادبیه همه چیز را باخته و حالا سوگوار از دست دادن رویاهایش است. دو سال است که در کنار همه دختران افغانستان از حقوقش محروم شده است. شریعت خودساخته طالبانی او را از حق آموزش، حق گشت‌وگذار آزاد، حق کار، حق پوشش اختیاری و حق فعالیت‌های اجتماعی محروم کرده است. این دست‌ورهای دست‌وپاگیر و زن‌ستیزانه طالبان، دستان او را از همه فعالیت اجتماعی کوتاه کرده است. همانند مجرم در کنج اتاق خانه‌اش روزها را در خیال آزادی از زندانی سپری می‌کند که حاکمان این گروه آن را برایش دست‌وپا کرده‌اند. دو سال است که مکان آرامش خاطرش تبدیل به حبس گاهی شده است که نفس کشیدن در آن نیز تاوان دارد. دیگر خانه‌اش را دوست ندارد. تاریکی آن مکان، رویاهایش را در خود بلعیده است. او را خوار و رنجور ساخته است. بارها در آن مکان در پی آرزوهای خاک‌مال شده‌اش گریسته است. او در پی تحقق رویاهایش سال‌ها کوشیده و مبارزه نفس‌گیری داشته است. برای این که بتواند سنت‌ها را بشکند، وارد جامعه شود و درس بخواند، ابتدا با خانواده و کلیشه‌های جامعه جنگیده است. سپس با مردمانی که تحصیل را دو دهه پیش برای دختران قدغن کرده بودند و حالا با کسانی که در پی حذف کامل او و دیگر زنان از جامعه‌اند. با این هم مبارزه زنان در جغرافیای جدامانده از جهان را پایانی نیست. پس از سال‌ها مبارزه، تازه توانسته بودند حضور زنان با مردان را در جامعه اندکی به توازن برسانند، اما پس از قدرت‌گیری دوباره طالبان به نقطه اول برگشته‌اند. ادبیه و هم‌نسلانش قربانی اصلی زدوخوردهای ظالمانه سیاسی‌اند که در آن هیچ نقش

چشمان دختران جاری است، قلب‌های ما پارچه‌پارچه شده است. به انواع مریضی دچار شده‌ایم. دیگر هیچ چیزی باقی نمانده است و افغانستان آینده‌سازان خود را و کسانی را که این وطن را به سوی پیش‌رفت سوق می‌دادند، در حال از دست دادن است.»

خانه‌اش، مکانی که او پیش از این در آن‌جا راه رسیدن به آرزوهایش را ترسیم می‌کرد و رویا می‌بافید، اکنون طالبان آن را حبس‌گاه آرزوهایش ساخته‌اند. خانه‌نشینی و افسرده‌گی او را واداشته تا درد و محرومیت‌هایش را با قلم و کتابچه در میان بگذارد و بنویسد. برگ‌های کتابچه را پر از واژه‌ها و جمله‌ها اندوهگین کرده است. گاهی در لای ورق‌های آن، حاکمیتی را به تصویر می‌کشد که در آن زنان آزاد و شادند، عاشق می‌شوند، عشق می‌ورزند، رویا می‌بافند و به آن می‌رسند. آن قدر نوشته است که دستانش با قلم زدن خو گرفته و متن‌های قشنگی تولید می‌کند. به‌تازگی داستانی را با اسم «مجادله با زنده‌گی» نوشته است. اکنون که همه آرزوهایش به بن‌بست برخورد کرده است، باز هم دلش می‌خواهد تا روزی نویسنده خوب شود و کتاب‌های زیادی را با اسم خودش به نشر برساند.

با این که ریشه‌های امید در دل او در حال خشکیدن است، اما او اهل سرزمینی است که دختران سخت‌کوش و مبارز زیادی دارد؛ کسانی که برای رسیدن به رویاهای‌شان همواره جنگیده‌اند و مبارز به بار آمده‌اند. ادبیه از جمله همان دختران مبارز است. سال‌ها برای اسمش و برای هویت زنانه‌گی‌اش در جامعه‌ای که او را موجودی ضعیف می‌پندارد، نبرد نفس‌گیر داشته است: «چه قدر زیاد تلاش کردیم و جنگیدیم. خود را به خانواده و جامعه ثابت کردیم. از مکتب به دانشگاه و از آن‌جا به پارلمان و موقوف‌های خوب دیگر رسیدیم، اما یک بار دیگر به اول برگشته‌ایم.» با این حرفش تراژیک‌ترین قسمت گفته‌هایش را بازگو می‌کند. از گفته‌هایش انبوهی از درد و بیچاره‌گی می‌بارد. در حالی که گلویش را بغض می‌فشارد، صدایش به ناگاه تغییر می‌کند و با استقامت از حاکمان طالبان که قدرت را با زور تفنگ به دست گرفته‌اند، می‌خواهد تا انگیزه و توانایی‌های دختران افغان را زیر لگد استبداد نکنند و به آنان اجازه آموزش و کار بدهند.

به‌جای آرزوهای ما خشونت کاشتند

هدیه ارمغان

من هدیه‌ام؛ دختری که ریشه در زادگاه خداوندگار بلخ، مولانای بزرگ دارد و مثل او طعم غربت را چشیده است. این نوشته، روایت تلخ‌ترین روزهای زنده‌گی من است. روزهای آخر مکتب به امید آینده بهتر، درس‌های آماده‌گی کانکور را در یکی از آموزش‌گاه‌های خصوصی در شهر مزار شریف خواندم. من و همصنفی‌هایم گروه شش نفره‌ای بودیم که هر روز صبح وقت روانه آموزشگاه می‌شدیم. روزهای گرم تابستان بود و راه هم طولانی. همه همصنفی‌ها با هم تصمیم گرفتیم تا موتر سرویس بگیریم. یکی از اعضای گروه، راننده‌ای را پیدا کرد. در راه، چون من آخرین نفر بودم، راننده سرویس راس ساعت هفت‌ونیم صبح به‌دنبالم می‌آمد.

روزهای خوشی بود. خنده روی لب‌های ما به هر بهانه‌ای گل می‌کرد. صنف ما در طبقه چهارم ساختمان بود و نسبت به دیگر دانش‌آموزان اندکی دیرتر می‌رسیدیم. نفس‌زنان پله‌ها را می‌دویدیم. با چهره بشاش و شادمان و با خنده‌های بلند، وارد صنف می‌شدیم. من و تمام آن شش نفر همصنفی‌های خوبم، چهار ساعت درسی را به خوبی سپری می‌کردیم. روزهای خوب و بر وفق زنده‌گی بود. شب‌ها تا دیر وقت درس می‌خواندم، صبح‌ها زودتر از جا بلند می‌شدم و برای آموزش‌گاه آماده می‌شدم. با خرسندی تمام در گل صبح کنار جاده

در انتظار موتر سرویس می‌ماندم.

ماه‌ها همین‌طور خوب و نیک گذشت تا رسیدیم به یک هفته قبل از سقوط شهر مزار شریف به دست طالبان. هوا بسیار گرم بود. داخل موتر سرویس بودیم. مرضیه، همصنفی‌ام از شدت دلهره و ترسی که داشتیم برای راننده سرویس گفت: «کاکا روزی که طالبان مزار را بگیرند هم اگر وقتی کورس بودیم دنبال ما می‌آیی؟» برای یک دختر که دوازده سال درس خوانده و آرزوهای فراوانی دارد، گفتن این جمله سخت بود. راننده گفت: «بلی دختر خوبم. می‌آیم. من شما را در این روزهای سخت تنها نمی‌گذارم.» سکوت موتر را فرا گرفت. به‌نظرم کسی حرفی برای گفتن نداشت. هر کدام، آینده را پیش روی خود می‌دید که تاریک بود. مجبور به برگشت به دوران تاریک طالبانی شده بودیم. یک هفته با خبرهای سقوط ولایت‌ها گذشت. یکی از شب‌های تابستان بود، با اعضای خانواده روی تخت‌های تابستانی نشسته بودیم. با مامایم که تازه به ایران مهاجر شده بود از طریق تلفون حرف می‌زد، برایم گفت که «هدیه، طالبان مزار را گرفتند.» من گفتم که نه هنوز خبری نیست. او تکرار کرد که «گرفته‌اند.» گریهام گرفت. برای همه همصنفی‌هایم، برای لحظاتی که فکر کردم شاید فردا امکان دوباره‌اش را از من بگیرند، گریه کردم.

یک‌شنبه بود. سروصدای موترهای رنجر شهر را فرا گرفته بود. پدرم من و خواهرم را از ترس این که دختر بودیم و از ترس این که اتفاق بدی نیفتد و نباید این روزها تبدیل به خاطره تلخ زنده‌گی ما شود، به ولسوالی شولگره فرستاد. چند روز گذشت. حدود دو هفته شده بود که آموزش‌گاه نرفته بودم. دلم برای همصنفی‌هایم تنگ شده بود. بعد از دو هفته به شهر مزار شریف برگشتم؛ اما انگار شهر، شهر سابق نبود. ساعتی در خانه بودم. یکی از همصنفی‌هایم زنگ زد. بدون مقدمه گفت، پدرش نمی‌ماند که دوباره به آموزش‌گاه برود. قلبم آتش گرفت. مریم چه‌قدر دختر لایق بود. می‌خواست داکتر شود. اما دیگران با ترس و محدودیت به درس‌های آماده‌گی کانکور ادامه دادند. باید ماسک و حجاب سیاه می‌پوشیدیم. روزی برای ما گفته شد که در چوکی‌های آخر صنف بنشینیم. با صدای بلند حرف نزنیم. این دردناک‌ترین قوانین در زنده‌گی ما بود. ما دخترانی که بلندبلند می‌خندیدیم، برای فردایی که بهتر از امروز امید آن را داشتیم، ترانه می‌خواندیم؛ اما برعکس شد. حالا گذشته بهتر و حال و آینده تاریکی داریم.

سر از فردای آن روز، الاهی دیگر نیامد. محدثه هم نیامد؛ چون پدرش نظامی بود. روزها آهسته می‌گذشت. خبرهایی از بروده شدن، کشته شدن و اجبار به خانه‌ماندن دختران و زنان به گوش می‌رسید.

زنده‌گی بوی تلخی می‌داد. نفس کشیدن برای دختران آزاده مزار شریف دشوار شده بود. برای هیچ‌کس دیگر امیدی برای درس خواندن نمانده بود. همه‌گی به‌دنبال فرار از این گونه زنده‌گی بودند. محدثه از مخفی‌گاه‌شان روانه ایران شد. زهرا به‌خاطر دختر بودنش از درس خواندن باز ماند و به‌جای آموزش پدرش او را نامزد کرد. الاهی برای دیده نشدن زیبایی چهره‌اش مجبور شد رویند بپوشد. همه لبخندهایش زیر رویند سیاه طالبانی محو شده بود. سرانجام من هم مهاجر شدم، محدثه و مروه هم مهاجر شدند.

حالا از آن شش نفر، تعدادی در داخل افغانستان و شماری هم مثل من مجبور به ترک وطن شده‌اند. من می‌خواستم خبرنگار شوم. الاهی و مریم می‌خواستند داکتر شوند. مروه دوست داشت حقوق بخواند. اما این آرزوها در دل همه ما در حال مردن است. جای آرزوهای بلندما را خشونت و شکنجه روحی مدام گرفته است. از شش نفر، تنها مریم موفق شد امتحان کانکور بدهد و در رشته دل‌خواهش در دانشگاه بلخ راه پیدا کند. ولی بعدها در تاریک‌تری به‌روی همه زنان افغانستان باز شد.

آری! دانشگاه‌ها هم به‌روی دختران بسته شد. زنان مجبور شدند خانه‌نشین شوند و اکثر دخترانی که از درس محروم بودند، دل‌خوش مصروفیت‌های دیگری از جمله آرایش‌گری بودند که از اقبال بدشان دروازه آرایش‌گاه‌ها نیز به‌روی‌شان بسته شد و بار دیگر طالبان جهل و نادانی‌شان را به مردم جهان نمایان کردند.

افغانستان هنوز بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر است



تولید و قاچاق مواد مخدر منبع مهم عایداتی برای جنگجویان طالبان است. لذا، مناطق ناامن تحت نفوذ طالبان مرکز اصلی تولید خشخاش بوده است. دهقانان و قاچاق‌بران به طالبان عشر و مالیه می‌دادند/می‌دهند و قاچاق‌بران مشهوری چون حاجی بشر نوری از تمویل‌کننده‌گان و حامیان طالبان بوده‌اند.

دکتر ضیا نظام

قبل صادرکننده مواد مخدر نبود، چه‌طور در مدت نسبتاً کوتاه بزرگ‌ترین صادرکننده آن شد. دلیل عمده، ناامنی و خارج شدن بخش‌هایی از کشور از کنترل حکومت بوده است. طوری که می‌دانیم در دوران جمهوریت کشت خشخاش و ناامنی با هم ارتباط داشت و ولایت هلمند، بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک، بیش از هر ولایت دیگر ناامن بود. براساس آمار دفتر ملل متحد در امور مبارزه با جرایم و مواد مخدر، در سال ۲۰۱۴ قریب به نصف ۶۴۰۰ تن تریاکی که در افغانستان تولید شده بود، از مزارع هلمند به دست آمده بود. در آن سال تنها مرکز ولایت هلمند در کنترل کامل دولت بود و باقی‌ساحات آن در تسلط طالبان بود. علاوه بر آن، باید متذکر شد که بیش‌تر مواقع، سه‌چهارم کل تریاک افغانستان تنها در سه ولایت ناامن جنوب‌غربی (هلمند، قندهار و فراه) تولید می‌شده است.

تولید و قاچاق مواد مخدر منبع مهم عایداتی برای جنگجویان طالبان است. لذا، مناطق ناامن تحت نفوذ طالبان مرکز اصلی تولید خشخاش بوده است. دهقانان و قاچاق‌بران به طالبان عشر و مالیه می‌دادند/می‌دهند و قاچاق‌بران مشهوری چون حاجی بشر نوری از تمویل‌کننده‌گان و حامیان طالبان بوده‌اند. حالا که طالبان بر افغانستان مسلط شده‌اند، گمان نمی‌رود دست از تولید و تجارت مواد مخدر بردارند. آنان با کارت مواد مخدر بازی سیاسی انجام می‌دهند، ولی نباید انتظار داشت که برای نابودی شبکه‌های تولید و قاچاق آن اقدام کنند. چرا که از یک‌سو مواد مخدر منبع عایداتی مهم برای گروه طالبان است، و از سوی دیگر، تولیدکننده‌گان و قاچاق‌بران مواد مخدر سهم‌داران اصلی ماشین جنگی این گروه هستند.

طالبان دو خبرنگار را در ننگرهار بازداشت کردند



۸صبح، کابل: مرکز خبرنگاران افغانستان گفته است که طالبان دو خبرنگار را در ننگرهار بازداشت کرده‌اند.

به گفته این مرکز، جان آغا صالح و فقیرمحمد فقیرزی، خبرنگاران رادیو کلبه در ولایت ننگرهار، حوالی ساعت ۳:۰۰ پس از چاشت روز پنج‌شنبه، ۱۹ اسد، در شهر جلال‌آباد بازداشت شده‌اند.

این دو خبرنگار را اداره استخبارات طالبان بازداشت کرده است.

مرکز خبرنگاران افغانستان با ابراز نگرانی نسبت به بازداشت این دو خبرنگار، خواستار آزادی فوری و بدون قیدوشرط آنان شده است.

به گفته این مرکز، هرگونه شکایت از خبرنگاران باید بر مبنای قانون رسانه‌های همگانی و از طریق کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی رسانه‌ای پی‌گیری شود.

تا کنون دلیل بازداشت این دو خبرنگار مشخص نیست.

مسئولان امنیتی طالبان نیز تا کنون در مورد بازداشت این خبرنگاران چیزی نگفته‌اند.

این سومین مورد بازداشت خبرنگاران از سوی طالبان در هفته جاری است. این گروه روز یک‌شنبه، ۱۵ اسد، سید وحدت‌الله ابدالی، خبرنگار خبرگزاری باخترا بازداشت کرد.

انجام می‌دهند.

در گذشته‌ها، در طول تاریخ افغانستان هیچ‌گاه کشور صادرکننده مواد مخدر نبود، بلکه مقدار کمی کوکنار که کشت می‌شد، و آن نیز بیش‌تر به‌شکل داروهای آرام‌بخش استفاده می‌گردید و در تسکین امراضی چون سینده‌ویغل به کار می‌رفت. البته به‌طور پراکنده کسانی معتمد به مصرف تریاک نیز بودند.

تولید تریاک هم‌زمان با شروع نازارهای و جنگ در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی افزایش یافت. با این حال میزان تولید آن تا سال ۱۹۸۰ میلادی حداکثر تا ۲۰۰ تن در سال رسیده بود. این رقم در مقایسه به سال ۱۹۹۹ (۴۵۶۵ تن)، سال ۲۰۰۷ (۸۲۰۰ تن) و سال ۲۰۲۱ (۶۲۰۰ تن) ناچیز بود.

طوری که گفتیم تولید مواد مخدر در افغانستان از زمان شروع جنگ‌های تحمیل‌شده از سوی قدرت‌های خارجی و درگیری‌های داخلی رو به افزایش بوده است. نازارهای، عدم امنیت، آمدن گروه‌ها و باندهای مافیایی و تروریستی، و فقر مردم سبب شد که افغانستان در صدر تولیدکننده‌گان مواد مخدر جهان قرار گیرد. لذا دیده می‌شود که به‌دلیل نازارهای و جنگ، و نبود اداره مسوولی که با کشت خشخاش برخورد سیاسی نکند، بلکه با جدیت و صادقانه هر گونه تولید، ذخیره، قاچاق و مصرف این مواد را کنترل کند، کشت خشخاش در کشور روند صعودی پیموده است. این شرایط زمینه‌ساز دخالت باندهای قاچاق منطقه‌ای و بین‌المللی، و تروریستان و جنگ‌سالاران نیز شده است. تقاضای بازار و دخالت شبکه‌های قدرت‌مند خارجی مانع جدی در برابر هر گونه تلاش مثبت بوده است. در بیست سال فاصله بین امارت اول و دوم طالبان نیز کشت خشخاش به دلیل ناامنی، جنگ و بی‌کفایتی حکومت و البته بی‌اعتنایی جامعه جهانی کنترل نشد. سوال مهم این‌جاست که افغانستان که چهار دهه

از منبع مواد مخدر در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال‌های قبل عواید بیش‌تر به‌دست می‌آورند.

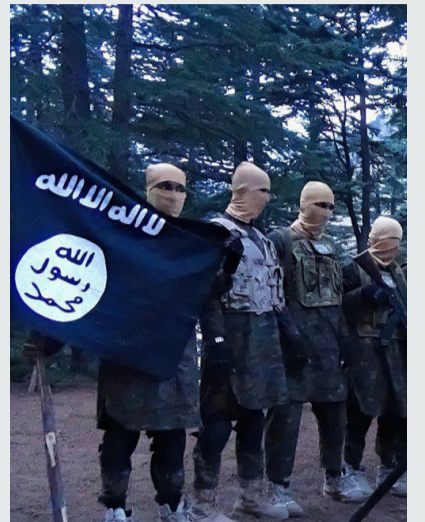
قابل یادآوری است که در دوره اول حاکمیت طالبان، نخست کشت خشخاش تشویق می‌گردید تا جایی که افغانستان مقام اول را در تولید مواد مخدر به‌دست آورد. در سال چهارم حاکمیت آن گروه (۱۹۹۹) برای اولین بار ۴۵۶۵ تن تریاک در افغانستان تولید شد، و این در جهان سابقه نداشت که یک کشور به‌تنهایی چنین مقدار کلان تریاک را تولید کند. در آن سال که کشور گرفتار فقر، گرسنگی و عوارض بسیار جنگ و حاکمیت یک گروه افراطی بود، در عرصه تولید این ماده خطرناک ریکارد قایم کرد. آن افزایش بیش از حد تولید تریاک، قیمت را در سطح جهان بسیار پایین آورد و در نتیجه مقدار زیاد مواد مخدر تولیدشده در افغانستان انبار شد. سال بعد، یعنی ۲۰۰۰ میلادی، طالبانی که سال‌ها مشغول تولید و تجارت تریاک بودند، آن را حرام و غیراسلامی اعلام کردند. بعد از آن اعلام قیمت، قیمت تریاک در بازار فوراً افزایش یافت. طالبان توانستند مواد مخدر انبارشده را به قیمت بسیار بالاتر از گذشته بفروشند و عواید هنگفت به‌دست آورند.

با توجه به رابطه دیرینه طالبان با مزارع خشخاش و بازار تریاک، احتمال این که مواد مخدر در کشور زیر سیطره طالبان کنترل شود، زیاد نیست. اما به دلیل آن که طالبان از این کارت برای کسب رسمیت استفاده می‌کنند، احتمال دارد سیاست منع کشت خشخاش فعلاً ادامه یابد و همچنان آن را ضد اسلامی و حرام بخوانند. هرگاه امارت طالبان از سوی جامعه جهانی به‌رسمیت شناخته شود، دوباره به‌بهبان‌های مختلف، کشت این گیاه تشویق خواهد شد و طالبان با رویه انکار و چشم‌پوشی، از آن حمایت خواهند کرد، چنان که دیگر فعالیت‌های ضد بشری خود را با این رویه



حاجی بشر، تابستان سال گذشته از زندان امریکا آزاد شد و طالبان از او چون قهرمان استقبال کردند.

قلمرو جهادگرایان...



از سوی دیگر، داعش خراسان تلاش برای بیعت گرفتن از صلاح‌الدین ایوبی، فرمانده اوزبیک‌تبار و ناراضی طالبان را بیشتر کرده است. او رابطه نزدیک با جنگ‌جویان سمت شمال دارد و به نظر می‌رسد که می‌تواند رابطه داعش با برخی دیگر از گروه‌های مسلح در تاجیکستان و سایر نقاط شمال کشور را برقرار کند. همچنان داعش با توجه به برنامه‌هایش در راستای گسترش فعالیت به آسیای میانه، در پی ارتباط بیشتر با جنگ‌جویان اوزبیکستانی است. این تلاش به نحوی ارتباط این گروه با برخی از فرماندهان و جنگ‌جویان حرکت اسلامی اوزبیکستان را نیز برجسته می‌سازد.

این در حالی است که براساس معلومات، داعش پیشتر برای تاجیکستان نیز مسوول تعیین کرده است. قابل یادآوری است که این گروه افزون بر خراسان، به شبه‌قاره هند نیز توجه جدی دارد. براساس یافته‌ها، رهبری داعش در اواسط ۲۰۲۲ به اعضای در «ولایت هند» دستور داده است که فعالیت‌شان در هند و پاکستان را تشدید بخشند. ابوالحسن الهاشمی قرشی، رهبر آن زمان داعش عراق و شام، از شیخ زبیر احمد، والی داعش در هند خواستار تغییرات مثبت در آن جغرافیا شده بود. در ادامه شیخ زبیر احمد براساس همان دستور، تصمیم گرفته بود که بخش تبلیغاتی‌اش را فعال کند و از طریق تلگرام، فعالیت‌هایش را انجام دهد. دولت اسلامی عراق و شام یا داعش که به «ISIS» شهرت دارد، در اواخر قرن بیستم با نام «جماعت توحید و جهاد» شکل گرفت. این گروه در سال ۲۰۰۴ با القاعده یک‌جا شد، اما در سال ۲۰۱۳ نام دولت اسلامی عراق و شام را اختیار کرد. داعش در ۲۰۱۴ اعلام خلافت کرد و ابوبکر البغدادی اولین رهبر تشکیلی به نام داعش شمرده می‌شود. گفتنی است که این گروه هم اکنون علاوه بر عراق و برخی کشورهای عربی، در افغانستان نیز فعالیت‌های گسترده دارد. این فعالیت‌ها پس از برگشت طالبان به قدرت، عمیق‌تر شده و حملات بر اماکن دیپلماتیک و حملات راکتی بر کشورهای آسیای میانه را در بر گرفته است. با توجه به تغییرات اخیر داعش و پیوستن پیهم جنگ‌جویان خارجی در تشکیل خراسان آن، به نظر می‌رسد که این گروه برنامه‌های مهمی برای اعمال نفوذ بیشتر در «ولایت خراسان» دارد. پیشتر، معلومات نشان می‌داد که داعش خراسان در پی تصرف ولایت کنر نیز است؛ موردی که پس از ارزیابی شورای لجنه، به تأخیر افتاده است.

ایران و طالبان؛ آیا...

از صفحه ۴



است که مولوی حمید، پس از شروع اعتراض‌ها به مرگ مهسا امینی فعال‌تر شده و خطابه‌های سیاسی ایراد می‌کند، ولی این را نمی‌توان بی‌ربط به حضور طالبان سنی در افغانستان دانست.

۸- نکته روشن دیگری که ممکن است ایران و طالبان را بیش‌تر از پیش به سمت تقابل سوق دهد، حقایق رود هیرمند است. چند ماه از هشدار رییس جمهور ایران به طالبان گذشت، ولی این گروه هنوز گامی که بتواند قناعت طرف ایران را فراهم کند، برنداشته است. مساله حقایق پس از هشدار ابراهیم ریسی، برای ایران تبدیل به امر حیثیتی شده است؛ چون اگر طالبان به هشدار ریسی ترتیب اثر ندهند، گویا هشدار دولتی را نادیده گرفته‌اند که امریکا و اسرائیل را به هیچ می‌گیرد. چندی قبل، خبرگزاری تسنیم این گونه تیتراژ زد: «طالبان، بدعهدترین زمام‌داران افغانستان در رعایت حقایق ایران از رود هیرمندند.» همچنان روزنامه جمهوری اسلامی صفحه نخست خود را با تیتر جالبی آراسته بود: «۶۶ روز از اخطار ریسی به طالبان گذشت؛ نه تنها آب ندادند، اهانت هم کردند.»

چرا گروه طالبان به خواست ایران در زمینه حقایق تن نمی‌دهد؟ البته عوامل زیادی در زمینه دخالت دارد که مهم‌ترین آن به نظر می‌رسد این باشد که دولت ایران، به کرات طالبان را بخشی از واقعیت افغانستان اعلام می‌کند نه همه آن؛ چیزی که به‌رغم درستی، پذیرش آن برای طالبان سنگینی می‌کند. برای نمونه، جواد ظریف، وزیر خارجه پیشین ایران، در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۰ در گفت‌وگو با طلوع‌نیوز گفت: «این که طالب بگوید که آینده

وضع محدودیت از سوی طالبان علیه عزاداران محرم، شاید دیگر شکی باقی نمانده باشد که طالبان حضور شیعیان را نمی‌توانند تحمل کنند. طالبان به خیابان‌آمدن شیعیان در محرم را نوعی قدرت‌نمایی می‌دانند؛ کاری که برای این گروه قابل قبول نیست. نیروهای طالبان از وضع محدودیت فراتر رفته و به‌روی عزاداران شلیک کردند؛ شلیکی که قربانی گرفت. طالبان حتا به‌گونه نمادین رضایت به این ندادند تا کسی به نمایندگی از شیعیان به‌حیث وزیر یا والی تعیین شود؛ کاری که نه‌تنها جا را به طالبان تنگ نمی‌کند، بل رویکرد دنیا به‌ویژه ایران را نسبت به این گروه تغییر خواهد داد.

بستن دفترهای امداد امام خمینی در شهرهای کابل، مزار شریف و هرات نیز امر جدی است و به رابطه طرفین آسیب می‌زند. طالبان این دفتر را که ظاهراً خدمات بشردوستانه عرضه می‌کرده است، بستند و به درخواست ایران برای روشن‌ساختن علت این اقدام هنوز پاسخ ندادند. به نظر می‌رسد حساسیت طالبان در برابر فعالیت این دفتر ریشه ایدئولوژیکی داشته باشد.

صراحت لحن مولوی عبدالحمید پس از برگشت مجدد طالبان به قدرت برای ایران، مایه نگرانی است. او، اولین کسی بود که از برگشت طالبان به قدرت حمایت کرد و از کشورهای اسلامی خواست تا امارت طالبان را به‌سمیت بشناسند. حتا دو روز قبل از ورود طالبان به کابل در خطبه جمعه گفته بود: «پیش‌روی‌های گسترده و سریع طالبان که بخش‌های زیادی از افغانستان را به تصرف خودشان درآورده‌اند، بیانگر این است که این حرکت ریشه مردمی دارد و از نصرت خدا و حمایت‌های مردمی برخوردار است.» درست

جوانان بدخشانی که دو طالب را پس از درگیری تن‌به‌تن خلع سلاح کرده بودند تیرباران شدند



۸صبح، بدخشان: منابع محلی در ولایت بدخشان می‌گویند، طالبان دو جوانی را که دو طالب را در این ولایت پس از درگیری تن‌به‌تن خلع سلاح کرده بودند، تیرباران کرده‌اند.

منابع روز جمعه، ۲۰ اسد به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این جوانان با نام‌های جوادحسین و روح‌الله، باشندگان ساحه درهٔ جوی قریه مانی‌خروی ولسوالی نسی هستند.

به روایت منابع، این دو جوان که از «ظلم‌وستم» طالبان به تنگ آمده بودند، چهار روز پیش با دو جنگ‌جوی این گروه درگیر و آنان را خلع‌سلاح

کردند.

طالبان پس از این اتفاق به روستای مانی‌خروی نسی حمله کردند و پس از درگیری نیم‌ساعته، جوادحسین را بازداشت و در مقابل چشمان روستایی‌هایش تیرباران کرده، سپس جسد وی را به «رنجر» بستند و نمایش دادند.

براساس اطلاعات این منبع، روح‌الله که می‌خواست از روستایش به سمت ولسوالی شکی فرار کند، از سوی طالبان بازداشت و پس از انتقال به ولسوالی نسی تیرباران شد.

طالبان محلی با نشر عکسی از جریان بازداشت روح‌الله وی را مرتبط با جبهه مقاومت ملی دانسته‌اند.

جبهه مقاومت ملی افغانستان، اما تا کنون در این مورد چیزی نگفته است.

باشنده‌گان محل که این دو جوان را می‌شناختند می‌گویند، آنان با هیچ جرایمی ارتباط نداشتند.

از زمان به قدرت رسیدن طالبان، افراد این گروه در بدخشان و دیگر ولایات کشور، دست به شکنجه، بازداشت، زندانی و حتا قتل غیرنظامیان و نظامیان پیشین و منتقدین نظام زده‌اند.

طالبان روز گذشته برادر یک نظامی پیشین را در پکتیا پس از بازداشت کشتند.

افغانستان را من تعیین می‌کنم، نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن واقعیتی که در بیست سال گذشته در افغانستان اتفاق افتاده است، چنین ادعایی کند. اما، پاکستان داستان دیگری در حمایت از طالبان ارابه می‌کند که مطرح کردن آن در این‌جا خالی از فایده نخواهد بود. زنگین دادفر اسپینتا، در کتاب خاطراتش به‌نام «سیاست افغانستان؛ روایتی از درون» از نشست مشترک میان هیات دولت افغانستان به ریاست حامد کرزی با هیات بریتانیایی و پاکستانی در ۵ فبروری ۲۰۱۱ در مونیخ آلمان روایت جالبی ارابه می‌کند: «جنرال کیانی، رییس ستاد ارتش پاکستان، گفت: از لحاظ مسایل داخلی باید در افغانستان یک تعادل وجود داشته باشد.» او در ادامه می‌نویسد: «منظور کیانی بسیار روشن بود. او می‌خواست بگوید که کنش‌های طالبان در حقیقت شورش پشتون‌های افغانستان علیه حکومت تاجیکان است و باید به این بی‌عدالتی پایان داده شود. از منظر وی افرادی که در آن‌جا نشست بودند، پشتون نبودند؛ نه کرزی، نه زلمی رسول، نه سخنگوی کرزی و نه هم‌دیگران.»

پاکستان، طالبان را مالک حقیقی افغانستان می‌داند؛ لذا این گروه بی‌کم‌وکاست به خواست اسلام‌آباد لبیک می‌گوید، حتا اگر پای ابطال فرضیت جهاد در میان باشد، ولی به درخواست نرم و دیپلماتیک ایران توجه نمی‌ورزد؛ چون آن گونه که در فوق تذکر رفت این کشور ابزار فشار موثر در اختیار ندارد.

سازمان صحنه جهان یک مرکز صحنه ۱۰۰ بستر معاندان در قندهار را بازسازی کرد

۸صبح، کابل: سازمان صحنه جهان گفته که طی یک پروژه مشترک با دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد یک شفاخانه ۱۰۰ بستر را برای تداوی معاندان در قندهار بازسازی و تقویت کرده است.

این سازمان روز پنج‌شنبه، ۱۹ اسد، با نشر بیانیه‌ای گفته که این پروژه از سوی اتحادیه اروپا تمویل شده است.

به گفته سازمان صحنه جهان، مرکز تازه بازسازی شده به‌دنبال ارابه برنامه‌های باکیفیت برای درمان معاندان مواد مخدر است که به بازبایی و حفظ رفاه جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی افراد آسیب‌پذیر قندهار و ولایات هم‌جوار کمک می‌کند. داکتر لو داپنگ، نماینده سازمان صحنه جهان در افغانستان می‌گوید: «گشایش این مرکز صحنه در قندهار، درمان دارویی را به جمعیت‌های آسیب‌پذیر فراهم می‌کند و تعهد مستمر ما را برای رسیدگی به سلامت کلی افغان‌ها برجسته می‌سازد.»

خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media

پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com • ۰۷۸۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸صبح
روایت دیروز، آینده امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل Sanjar.sohail@8am.media

مدیرمسوول: محمد محق Mohammad.moheq@8am.media

سردبیر: حبیب بهش Hasib.bahesh@8am.media

تحلیل‌گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی

دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

دبیر تولید: محمد نوید جویرا

Publisher:

Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:

Mohammad Moheq

Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media

Youtube.com/Hashtesubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.media_official

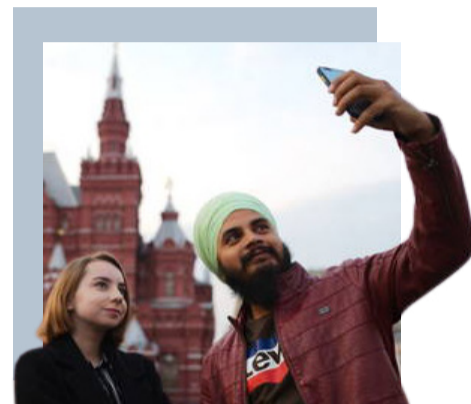
www.8am.media

۸ صبح، کابل: قهرمان شاهین، ورزشکار موی تای افغانستان و دارنده کمربند شورای جهانی بوکس (WSB)، حریف تایلندی اش را در روند اول ناکاوت کرد. شاهین روز جمعه ۲۱ اسد، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که رقابت بین او و حریفش چهارشنبه شب، در ورزشگاه بوکس بنگله در شهر پوکت تایلند برگزار شده بود. این رقابت در سه روند و در وزن ۶۳ کیلوگرام برگزار شده بود. او نخستین ورزشکار موی تای افغانستان است که کمربند سازمان «WSB» را کسب کرده است. قهرمان شاهین سال گذشته با اشتراک در رقابت های موی تای در پاکستان، با شکست حریفش این کمربند را از آن خود کرد.

روسیه به گردشگران هندی و ایرانی ویزای رایگان می دهد

مذاکرات میان چین و روسیه بر سر رفت و آمد بدون ویزای گروه های توریستی برای نخستین بار در سال ۲۰۲۰ آغاز شد و این دو کشور روند مذکور را که در سال ۲۰۲۰ به دلیل شیوع ویروس کرونا متوقف شده بود، اول ماه آگست سال جاری از سر گرفتند. بر بنیاد این توافق گروه های حداقل پنج نفری شامل این برنامه می شوند و ویزای صادر شده در پوشش این برنامه مدت ۶۰ روز اعتبار دارد. به گفته این مقام روسی توافق مشابه با ایران نیز انجام شده است. گفتنی است که روسیه برای مهار چالش بازگرداندن گردشگران به این کشور پیش از این طرح صدور ویزای الکترونیک ۵۲ دلاری را نیز برای ۵۵ کشور اجرا کرد که ۱۶ روز اعتبار داشت.

پرداخت مبلغی ویزای روسیه را به دست آورند. آرتی روز پنجشنبه، ۱۰ آگست، گزارش داده که گردشگران ایران و هندی در صورت سفر گروهی به روسیه می توانند ویزای روسیه را رایگان دریافت کنند. پیش از این مسکو طرح مشابهی را به چین نیز پیشنهاد کرده بود. وزیر توسعه اقتصادی روسیه همچنان خاطرنشان کرده که صنعت گردشگری این کشور پس از همه گیری کرونا و جنگ اوکراین با چالش مواجه شده است. رشتنیکوف در گفتگو با تلویزیون روسیه ۲۴ گفته است: «ما یک پیشنهاد برای آنها ارسال کرده ایم. در حال حاضر، از طریق مجاری دیپلماتیک در حال مذاکره هستیم و ما این روند را تسریع خواهیم کرد.»



ماکسیم رشتنیکوف، وزیر توسعه اقتصادی روسیه گفته است که مسکو طرحی را به هند و ایران پیشنهاد کرده که بر بنیاد آن قرار است گردشگران این دو کشور بدون

پولند ۱۰ هزار نظامی در مرز بلاروس مستقر می کند



مقام های نظامی پولند می گویند که این کشور چهار هزار نظامی خود را در مرز با بلاروس و شش هزار نظامی دیگر را در نزدیکی های این مرز مستقر می کند.

به گزارش اسوشیتد پرس، ماریوش بلاشاک، وزیر دفاع پولند، روز پنجشنبه، ۱۰ آگست، گفته است که وارشو قصد دارد ۱۰ هزار نظامی را در شرق این کشور برای محافظت از مرز با بلاروس مستقر کند. وزارت دفاع پولند پیشتر گفته بود که توماش پراها، فرمانده ارشد مرزی این کشور، روز دوشنبه، ۷ آگست، از این وزارتخانه خواسته بود که با انتقال یک هزار نظامی دیگر به مرز این کشور و بلاروس موافقت کند.

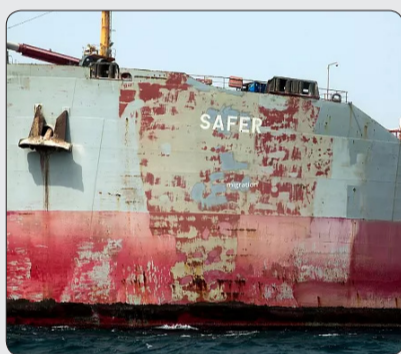
پس از انتقال اعضای شرکت خصوصی واگنر از روسیه به بلاروس، ارتش پولند دو هزار نظامی را در مرز با این کشور مستقر کرده است. هفته گذشته نیز وزارت امور خارجه پولند ادعا کرد که دو هواپیمای بلاروسی حریم هوایی این کشور را نقض کرده اند؛ ادعای که از سوی بلاروس رد شده است.

این در حالی است که معاون وزیر داخله پولند نیز تهدید کرده است که اگر بلاروس اقدامات تحریک آمیز بیشتری انجام دهد، وارشو لیتوانیا و لتونی ارتباط ریلی با این کشور را قطع می کند.

کیم رییس کل ستاد ارتش کوریای شمالی را برکنار کرد

کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی یکی از جنرالان ارشد ارتش این کشور را برکنار کرد و به نظامیان دستور داد تا برای وقوع احتمالی جنگ آماده گی بیشتر بگیرند. رویترز گزارش داده که رهبر کوریای شمالی روز چهارشنبه، ۹ آگست، پام سو ایل، رییس کل ستاد ارتش این کشور را سبکدوش کرده و دستور افزایش تولید تسلیحات و گسترش رزمایش نظامی را داده است. کیم این اظهارات را در هفتمین نشست بزرگ کمیسیون مرکزی نظامی حزب کارگران کوریای شمالی (WPK) بیان کرده و تصمیم به برکناری این جنرال ارشد ارتش کشورش گرفته است.

در همین حال، کیم جونگ اون، ری یونگ گیل، وزیر دفاع این کشور را به سمت ستاد کل ارتش منصوب کرده است. با این حال، مشخص نیست که آیا او در کنار سمت جدیدش وزیر دفاع نیز باقی خواهد ماند. قرار است کوریای شمالی به مناسبت سالگرد تأسیس این کشور ۹ سپتامبر سال جاری رزمایش شبه نظامیان را برگزار کند. گفتنی است که اخیراً تنش ها در شبه جزیره کوریا در پی رزمایش های نظامی مشترک امریکا، کوریای جنوبی و جاپان بالا گرفته است و پیونگ یانگ هرازگاهی با آزمایش های موشکی به آنچه تهدید کشورش از سوی این اتحاد سه گانه می داند، پاسخ می دهد.



اقتصادی در پی خواهد داشت و کشورهای یمن، عربستان سعودی، اریتره و جیبودی و سومالی را متأثر خواهد کرد.

خطر فاجعه زیست محیطی؛ سازمان ملل یک میلیون بشکه نفت را از نفتکش صافر در یمن انتقال داد

او از حامیان طرح تخلیه این نفتکش که نشت نفت از آن می تواند زنده گی آبزی ها را تهدید کند و فاجعه بیافریند، خواسته تا به تکمیل این پروژه و رفع هرگونه تهدید دریای سرخ کمک کنند. یک نفتکش زنگ زده به نام «صافر» حاوی بیش از یک میلیون بشکه نفت که از سال ۲۰۱۵ در سواحل جنگ زده یمن رها شده، اکنون به یک خطر زیست محیطی بالقوه تبدیل شده است. سازمان ملل تخمین می زند که در صورت نشت نفت از صافر هزینه های پاکسازی آن به بیش از ۲۰ میلیارد دلار می رسد و پیامدهای فاجعه بار زیست محیطی، انسانی و

در پی نگرانی ها از احتمال وقوع فاجعه زیست محیطی ناشی از نشت نفت از یک نفتکش در حال پوسیده گی در سواحل یمن، اکنون سازمان ملل خبر خوشی به طرفداران محیط زیست داده است. آنتونیو گوتریش، دبیر کل سازمان ملل متحد در یک توییتی روز جمعه، ۱۱ آگست، از انتقال دست کم یک میلیون بشکه نفت از این نفتکش خبر داده است. او نوشته است: «سازمان ملل متحد با موفقیت یک میلیون بشکه نفت را از یک نفتکش در حال پوسیده گی در سواحل یمن انتقال داده و از یک فاجعه زیست محیطی و انسانی جلوگیری می کند.»

امریکا و ایران بر سر تبادل زندانیان به توافق رسیدند



زندان اوین به هوتلی در تهران منتقل شدند و برای چند هفته در آنجا نگهداری خواهند شد تا اجازه سوار شدن آن ها به هواپیما داده شود. با این حال به گفته منابع آگاه، امریکا همچنان نزدیک به شش میلیارد دلار از دارایی های ایران در کوریای جنوبی را به حسابی در بانک مرکزی قطر منتقل خواهد کرد. مقام های دولت امریکا از اظهار نظر در این مورد خودداری کرده اند. از جانبی، نماینده گی ایران در سازمان ملل متحد نیز توافق تهران و واشنگتن در مورد خروج زندانیان دو تابعیتی از زندان تهران را تأیید کرده است. این در حالی است که پیش از این ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران درباره تبادل زندانیان میان تهران و واشنگتن گفته بود که تبادل زندانیان یک موضوع انسانی است و در این خصوص گفت و گوهای غیرمستقیمی را از سال گذشته با طرف امریکایی داشته اند.

بر بنیاد گزارش، امریکا و ایران به توافقی دست یافته اند که بر اساس آن در ازای دسترسی تهران به شش میلیارد دلار از دارایی های مسدود شده خود برای مقاصد بشردوستانه و آزادی چندین ایرانی زندانی توسط امریکا، تهران پنج زندانی امریکایی را آزاد خواهد کرد. نیویارک تایمز روز پنجشنبه، ۱۰ آگست، این موضوع را گزارش داده است. در گزارش آمده است: «به گفته چند تن از مقام های آگاه از این توافق، امریکا و ایران به توافقی دست یافته اند تا در ازای چند ایرانی، پنج امریکایی زندانی در ایران نیز آزاد شود و در نهایت ایران به حدود شش میلیارد دلار درآمد نفتی خود دسترسی پیدا کنند.» در همین حال، جرد گنسر، وکیل یکی از این زندانیان نیز گفته است که پس از دو سال مذاکره در سکوت میان ایران و امریکا، تهران پنج شهروند ایرانی امریکایی دو تابعیتی را در حبس خانگی قرار داد. به گفته وی، روز پنجشنبه چهار زندانی دو تابعیتی از

شورای ملی پاکستان منحل شد

دفتر عارف علوی، رییس جمهور پاکستان، گفته است که وی رسماً دستور انحلال مجلس شورای ملی این کشور را صادر کرده است. علوی سند انحلال مجلس شورای ملی پاکستان را اوایل روز پنجشنبه، ۱۰ آگست، امضا کرده است. این تصمیم به توصیه شهباز شریف، نخست وزیر پاکستان، گرفته شده است. دفتر ریاست جمهوری پاکستان در توییتی نوشته است: «رییس جمهور مجلس شورای ملی را به توصیه نخست وزیر و طبق اصل ۵۸-۱ قانون اساسی منحل کرد.» طبق قانون اساسی پاکستان دوره پارلمان پاکستان ۱۲ آگست ۲۰۲۳ میلادی پایان می یابد و همزمان با این کابینه دولت نیز منحل و سپس یک دولت انتقالی برای ۶۰ روز جهت برگزاری انتخابات عمومی در این کشور ایجاد خواهد شد. روز گذشته جناح های مختلف پاکستان از جمله دولت شهباز شریف روی تعیین نامزد مشترک برای احراز کرسی نخست وزیری دولت موقت دیدار کردند. با این حال، این که آیا طرف ها روی کاندید مشخصی به توافق رسیده اند یا نه، روشن نیست. پارلمان پاکستان پیش از این برای بار دوم در حمل سال ۱۴۰۱ از سوی رییس جمهور این کشور منحل اعلام شد.